

جرایم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق عمومی

سید ابراهیم قدسی* - مهدی بی‌نیاز**

چکیده

جرایم مربوط به صوت و تصویر به‌ویژه در زمینه‌ی عفت و اخلاق عمومی، به‌عنوان یک عمل ناپسند اجتماعی و فرهنگی همیشه به نوعی مبتلی به تمام جوامع بوده است. در ایران نیز با توجه به صراحت قرآن کریم مبنی بر حفظ عفت و اخلاق عمومی و وجود روایات فراوان در این رابطه، سعی در جرم‌شناختن این‌گونه اعمال شده است. به دلیل اهمیت موضوع قبل و بعد از انقلاب نسبت به آن جرم‌انگاری شده است. علی‌رغم این که حفظ عفت و اخلاق عمومی در همه زمان‌ها به ویژه برای افراد مسلمان حائز اهمیت بوده؛ ولی به دلایل گوناگون برخی افراد از طرق مختلف اقدام به تخریب و خدشه‌دار کردن این نهاد مقدس می‌کنند. مهم‌ترین و عمده‌ترین ابزاری که مستمسک این‌گونه افراد قرار گرفته، استفاده از نوار و فیلم‌های مبتذل و مستهجن می‌باشد که در مقررات موجود نسبت به جرم‌انگاری آن سکوت اختیار شده است. در قوانین جاری کشور دو مصوبه وجود دارد، که ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ می‌باشد. از آنجایی که ظاهراً میان آن دو تعارض به چشم می‌خورد و مانع رسیدن به اهداف قانون‌گذار در جرم‌انگاری جرایم صوتی و تصویری می‌شود در این مقاله ابتدا به تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات حاکم بر این نوع فعالیت‌ها و احراز این که میان آن‌ها هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد و سپس غنا و احکام آن، حکم تصویر و نگه‌داری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن در فقه اسلامی، پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: جرایم صوتی و تصویری، عفت و اخلاق عمومی، مبتذل و مستهجن

* دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، عهده‌دار مکاتبات ghodsi@umz.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه مازندران

تاریخ وصول: ۹۰/۱/۲۷ - پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۷

مقدمه

قانون‌گذار در جهت حفظ عفت و اخلاق عمومی و جلوگیری از بروز جرایم منکراتی با اتخاذ تدابیری از جمله جرم‌انگاری برخی از اعمال و رفتارها از جمله جرائم مربوط به صوت و تصویر، سعی در حفظ عفت و اخلاق در جامعه را داشته است. طبق اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات باید بر پایه و چارچوب موازین اسلامی باشد؛ بنابراین هدف خاص جرم‌انگاری جرائم صوتی و تصویری در حیطه‌ی منافی عفت و اخلاق عمومی را می‌توان تحکیم و تقویت مبانی، مکتب، تفکر و جهان‌بینی اسلامی و نیز حفظ و صیانت جامعه از بی‌بندباری‌ها و رشد و تعالی اعتقادی و فرهنگی آن عنوان کرد. بدیهی است در این راستا عرف نقش تعیین و تبیین موضوع را دارد. سؤالی که وجود دارد این‌که آیا مقررات قانونی حاکم موجود مفید فایده به هدف فوق‌الذکر است؟ یکی از مهم‌ترین این مقررات، ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و دیگری قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ می‌باشد. قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۴۰ قانون موصوف بسیاری از افعال مادی جهت ارتکاب جرائم مربوط به صوت و تصویر را ذکر و نسبت به آن‌ها جرم‌انگاری کرده است؛ اما در قانون نحوه‌ی مجازات... مصوب سال ۱۳۸۶ صرفاً به تولید، توزیع و تکثیر این آثار اشاره کرده و از ذکر افعال دیگر خودداری کرده است؛ لذا اگر یک اثر مبتذل یا مستهجن که قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات... آن را تعریف کرده و شرح داده است، در قالب یکی از افعال مندرج در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، ارتکاب یابد، نحوه‌ی برخورد با متهم چگونه خواهد بود؟ آیا در واقع امر، دو قانون فوق‌الذکر با یکدیگر تعارض ندارند؟ آیا آشفتگی موجود میان مقررات موصوف ضرر جبران‌ناپذیر به اهداف خاص جرم‌انگاری جرائم صوتی و تصویری نمی‌زند؟ در این مقاله با تجزیه و تحلیل قوانین حاکم موجود تحت عنوان جرایم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق عمومی در حقوق موضوعه و سپس طرح غنا و احکام تصویر و نگه‌داری آثار سمعی و بصری در فقه اسلامی به سؤالات فوق‌الذکر پاسخ داده می‌شود.

جرایم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق عمومی در حقوق موضوعه

موسیقی و غنا و تصویر: ابتدا لازم است موضوعاتی هم‌چون موسیقی، غنا، تصویر، مبتذل و مستهجن توضیح داده شود و سپس ارکان تشکیل دهنده‌ی آن و دیگر مباحث مورد بررسی قرار گیرد. «موسیقی از لحاظ لغوی هم‌طراز غنا می‌باشد و ریشه‌ی یونانی دارد و به

آوازخوانی و نواختن ساز، آهنگی که دارای حالت وجد، حزن یا نشاط و یا محرک احساسات باشد، گویند.» (فرهنگ فارسی عمید/۲/ ۱۸۶۷). و نیز موسیقی را گفته‌اند که: «هنر مرتب کردن اصوات با قواعد معین از لحاظ ریتم، ملودی و هارمونی در قالب گروهی از اصوات و آهنگی مستقل از سبک و شیوه است.» (فرهنگ بزرگ سخن/۷/ ۷۴۸). جعفر لنگرودی در مورد غنا بیان می‌کند: «غنا عبارت از نشاط و طرب و ترنم به کلام موزون و غیرموزون است، خواه مقرون به آلات موسیقی باشد، خواه نباشد، اگر صوت حسن عاری از ترنم باشد، غنا نیست.» (ترمینولوژی حقوق/۲۷۴۳). غنا به کسر (غ) از لحاظ لغوی به سرود، آواز خوش که طرب‌انگیزد، سرود و نغمه‌خوانی، خواندن شعر همراه با کف زدن معنی شده است. (لغت نامه دهخدا /۳۸/۳۸). یکی از لغت‌دانان، در مورد غنا می‌نویسد: «غنا با کسر «غین» صوت طرب‌انگیز، آواز خوش، سرود - غنایی منسوب به غنا - غناساز: خواننده، نوازنده، آهنگساز - غناگر: نوازنده، آوازخوان. (فرهنگ فارسی عمید/۲/ ۱۴۹۵). از آن‌چه که از تعریف غنا و موسیقی بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که موسیقی اعم از غنا است و نباید این دو را در یک معنی به کار گرفت. آن‌چه که در ارتباط با جرائم صوتی و تصویری بحث می‌شود غنا است نه موسیقی. تصویر، عبارت است از، صورت کسی یا چیزی را کشیدن، نقش کردن، صورت‌گری، صورت‌سازی، صورتی که بر کاغذ دیوار و غیره کشند، نمایش اشکال بر روی صفحه‌ای. (فرهنگ معین/۱۰۹۳). هم‌چنین گفته شده است: «تصویر عبارت است از صورت کشیدن، درست کردن صورت چیزی، شکل کسی یا چیزی را نقش کردن.» (فرهنگ فارسی عمید/۲/ ۱۷۴۷). به‌طور کلی می‌توان گفت، هر چیزی که جنبه‌ی عینی و قابل مشاهده داشته باشد مشمول عنوان تصویر می‌شود، اعم از این‌که بر روی کاغذ باشد یا این‌که به‌واسطه‌ی یک وسیله‌ای؛ مانند، تلویزیون قابل رؤیت باشد.

مبتذل و مستهجن: مبتذل صفت مفعولی از ابتذال به معنی چیزی که همه کس آن را دیده باشند، پیش پا افتاده، خوار و ناپسند و مستهجن نیز به معنی زشت، قبیح و ناپسند آمده است. (فرهنگ صبا/ ۹۳۶). سایر لغت‌شناسان نیز معانی مشابه را برای مبتذل و مستهجن تعریف کرده‌اند. (فرهنگ معین / ۱۸۰۳). قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶، اقدام به تعریف کلمه‌ی مستهجن در تبصره‌ی ۵ از بند الف از ماده‌ی ۳ واژه‌ی و کلمه‌ی مبتذل در تبصره‌ی ۱ از بند ب از ماده‌ی ۳ را تعریف کرده که تفاوت چندانی با معانی لغوی آن ندارد؛ لذا کلمه‌ی مبتذل که در لغت به معنی خوار و ناپسند آمده، (همان)، لیکن از لحاظ اصطلاحی طبق تبصره‌ی ۱ از بند ب ماده‌ی ۳، به آثاری اطلاق می‌شود که دارای صحنه‌ها و صور

قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند. مستهجن که در لغت به معنای زشت، قبیح و ناپسند (فرهنگ فارسی عمید/۲/۱۱۱۷) آمده در مفهوم حقوقی، نمایش برهنگی زن و مرد یا اندام تناسلی یا نمایش آمیزش جنسی به کار رفته است. علی‌رغم تعریف قانونی ابتذال و استهجان، همچنان راجع به مفهوم دقیق این دو اصطلاح و وجه تمایز آن‌ها ابهاماتی وجود دارد؛ از جمله این که قانون‌گذار در تعریف از کلمه‌ی «نمایش» استفاده کرده است و این شبهه ایجاد می‌شود که ابتذال و استهجان فقط در مورد تصاویر مصداق دارد، در حالی که با توجه به این که قانون راجع به امور سمعی و بصری می‌باشد، قانون‌گذار باید در تعریف مبتذل و مستهجن به این امر توجه داشته، به گونه‌ای که تعریف ارائه شده شامل هر دو موضوع (سمعی و بصری) می‌شد یا برای هر یک تعریف جداگانه‌ای بیان می‌کرد در نتیجه این که شایسته بود، قانون‌گذار در امور سمعی نیز به مفهوم ابتذال و استهجان توجه داشته و حداقل معیار آن را مشخص می‌کرد، البته لازم به ذکر است که راجع به این که استهجان در امور سمعی نیز مصداق دارد یا خیر، اختلاف نظرهایی وجود دارد که بحث آن به زودی می‌آید.

عفت و اخلاقی عمومی: عفت، لغتی عربی است که از ریشه عفف به معنای مناعت و پاک‌دامنی می‌باشد. عفت چشم‌پاکی و حالتی است که وقتی برای نفس حاصل می‌شود، انسان را از غلبه شهوت نگه می‌دارد و عقیف نیز به انسان خودنگه‌دار، پاک‌دامن، پارسا و چشم‌پاک اطلاق می‌شود. (واژه‌های قرآن/۱۵۷). در فرهنگ عمید نیز، عفت به معنای باز ایستادن از حرام، پارسایی کردن، پرهیزکاری و ترک شهوت (فرهنگ فارسی عمید/۲/۱۸۳۲) و در لغت‌نامه‌ی دهخدا، عفت به نهفتگی و پاک‌دامنی، پرهیزکاری از محرّمات خصوصاً از شهوت حرام و یکی از فضایل اربعه در نزد قدما که گفته‌اند عفت ترک شهوت هر چیزی که تصور رود از امور منہیات نفسانی در این جهان است، معنی شده است. (لغت‌نامه دهخدا / ۳۸ / ۲۷۰). راغب اصفهانی در تعریف عفت می‌گوید: عفت، پدید آمدن حالتی است در نفس آدمی که امور را از غلبه شهوت بازمی‌دارد و متعفف، کسی است که دارای این خصلت و حالت باشد. (مفردات راغب اصفهانی / ۳۴۲). در تعریف عفت عمومی گفته‌اند: «عفت عمومی درجه‌ای است از عفت که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت آن داشته باشند و تابع شرایط زمان و مکان است. هنگامی که زخم و آسیبی بر پیکر پاک‌دامنی، پرهیزگاری، پارسایی و حصار حریم خانواده‌ها وارد شود، گویند که حریم عفت جریحه‌دار شده است.» (ترمینولوژی حقوق / ۴۵۳). اخلاق، عبارت است از قواعدی که در طول ادواری از زندگی یک جامعه،

سابقه فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آن‌ها را محترم شمرده و کم‌وبیش به معرض اجرا درمی‌آورند و تخلف از آن‌ها وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت می‌کند. در تعریف اخلاق عمومی یا اخلاق حسنه، گفته شده است: «قواعدی است که در زمان و مکان معین، توسط اکثریت یک اجتماع، رعایت آن لازم شمرده می‌شود یا عمل به آن‌ها نیکو تلقی می‌شود و مقررات اخلاقی هم بدون ضمانت اجرا نیست.» (همان / ۲۰). و نیز گفته شده است: «اخلاق عمومی مجموعه قواعدی است که به مقتضای اخلاق بر مردم تحمیل شده است و این‌ها نمی‌توانند به‌وسیله‌ی قراردادهای خود آن را نقض کنند و یکی از هدف‌های حقوق، تضمین حداقل اخلاق در جامعه است.» (کلیات حقوق تطبیقی / ۱۶۳)، بنابراین عفت و اخلاق عمومی عبارت است از، ارزش‌های اخلاقی و دینی که مورد قبول جامعه و توده مردم قرار گرفته و این ارزش‌ها معمولاً از تعالیم دینی یا عرف سنتی منبعث می‌شوند. با توجه به مراتب یاد شده می‌توان جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی این‌گونه تعریف کرد: فعل یا ترک فعلی که باعث آسیب و جراحت بر پیکره‌ی پاک‌دامنی و قواعد حسنه مورد قبول اکثریت مردم جامعه معین در زمان معین می‌شود.»

ارکان تشکیل دهنده‌ی جرائم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق

عمومی

رکن قانونی: قانون‌گذار در جهت حفظ عفت و اخلاق عمومی و جلوگیری از بروز جرایم منکرانی با اتخاذ تدابیری از جمله جرم‌انگاری برخی از اعمال و رفتارها از جمله جرایم مربوط به صوت و تصویر، سعی در حفظ عفت و اخلاق در جامعه را دارد. تحول فکری که در راستای جرم‌انگاری اعمال منافی عفت صورت پذیرفت، بر مبنای تحول عقاید و افکار اسلامی است و در این مورد ابتدا ملاک‌ها و ضوابط ایدئولوژیک دینی اسلام در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر، در هر اجتماعی مفهوم جرم؛ همانند، مفهوم اخلاق، در حال تحول و تغییر است. طبق اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات باید بر پایه و چارچوب موازین اسلامی باشد، همین امر باعث شده که قانون‌گذار در قوانین سابق بازنگری کند. اهداف جرم‌انگاری را می‌توان به منظور جلوگیری از اخلال در نظم عمومی، جبران خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم که بر مجنی‌علیه تحمیل شده‌است، ارباب و یا اصلاح بزه‌کار و دیگر افراد جامعه و بالاخره از همه مهم‌تر اجرای عدالت برشمرد. هدف خاص جرم‌انگاری جرائم صوتی و تصویری در حیطه‌ی منافیات عفت و اخلاق عمومی را عبارت از تحکیم و تقویت مبانی، مکتب، تفکر و جهان‌بینی اسلامی عنوان کرد. به اهداف فوق

می‌توان حفظ و صیانت جامعه از بی‌بندباری‌ها و رشد و تعالی اعتقادی و فرهنگی را اضافه کرد. در بحث پیرامون جرم‌انگاری، نمی‌توان نقش عرف و تفکر حاکم بر آحاد جامعه را نادیده گرفت. ضمن رعایت اصول و موازین اسلامی، در جرم اعلام کردن اعمال منافی عفت و اخلاق باید این امر را نیز در نظر گرفت که چنانچه اعمال و رفتاری در گذشته مورد نکوهش بوده ولی در اثر گذشت زمان و تحول عقاید و افکار، قبح خود را از دست داده، نمی‌بایست همچنان مصرانه به جرم و قابل مجازات بودن آن رفتار اعتقاد داشت، یا این که می‌توان با اتخاذ سیاست و تدابیری که تضمین کننده‌ی ایدئولوژی اسلامی باشد با آن‌ها به مبارزه برخاست. تدابیری از قبیل توسعه و بسط نهادهای فرهنگی، کیفر یا قضادایی از آن‌گونه جرایم می‌تواند نقش مهمی در این امر داشته باشد. به نظر می‌رسد چنانچه عملی که در قانون به عنوان جرم تعریف شده، بین مردم آن قدر رواج یابد که به یک فعل یا ترک فعل مباح تبدیل شود، اصرار مقنن بر استمرار وصف مجرمانه آن عمل کاری عبث و بدون پشتوانه مردمی خواهد بود، در هر حال تدوین ضمانت اجرای کیفری در جهت حفظ و اخلاق عمومی یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. قانون‌گذار نیز در این راستا، اقدام به جرم‌انگاری در رابطه با اعمال و اشیایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کند، کرده و برای این‌گونه اعمال خصیصه مجرمانه قائل شده است. یکی از مهم‌ترین این مقررات، ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ می‌باشد که به تجزیه و تحلیل آن‌ها خواهیم پرداخت.

ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵: پس از تصویب قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، فصل هجدهم آن به جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی اختصاص یافت و ماده‌ی ۶۴۰ آن با اندک تغییرات جایگزین ماده‌ی ۱۰۴ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ شد.

ماده‌ی ۶۴۰ قانون موصوف اشعار می‌دارد: «اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱- هرکس نوشته یا طرح، گروار، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، فیلم، نوار سینما و یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد و یا بسازد و یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد. ۲- هرکس اشیای مذکور را به منظور

اهداف فوق شخصاً یا به وسیله‌ی دیگری وارد یا صادر و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه‌ی تجارت یا هر قسم معامله دیگر شود و یا از کرایه دادن آن‌ها تحصیل مال نماید. ۳- هرکس اشیای فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید و یا آن‌ها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴- هرکس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق یا ترویج آن اشیای به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن معرفی نماید. تبصره‌ی ۱: مفاد این ماده شامل اشیایی خواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر، تهیه با خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار گیرد. تبصره‌ی ۲: اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.»

در بند ۲ ماده‌ی موصوف منظور از عبارت «به منظور اهداف فوق»، تجارت یا توزیع، به نمایش و معرض انظار عمومی گذاشتن یا ساختن یا برای تجارت و توزیع نگاه داشتن می‌باشد، بر این اساس ماهیت مجرمانه بودن عمل محدود به اهداف فوق است. حال چنانچه اهداف فوق نباشد، نمی‌توان آن را جرم دانست؛ چنانچه، بعضی از دادگاه‌ها قبل از رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۴۵ - ۱۳۷۸ / ۹ / ۲۳، صرف نگرانی شخصی موارد فوق را جرم نمی‌دانستند.

قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند، مصوب سال ۱۳۸۶: قانون فوق‌الذکر به تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ در ۱۳ ماده و ۱۲ تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و به‌موجب ماده‌ی ۱۳ آن، قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ ملغی‌الاثربود. مهم‌ترین ماده‌ای که در این قانون در بحث جرایم صوتی و تصویری اهمیت دارد، ماده‌ی ۳ قانون آن می‌باشد که اشعار می‌دارد: «عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازات‌های مشروحه ذیل محکوم خواهند شد: الف - ... ب - ...».

بدیهی است ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ عام بوده و کلیه جرائم مربوط به صوت و تصویر و همچنین کلیه اشیایی که اخلاق و عفت عمومی را جریحه‌دار می‌سازد برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد را شامل می‌شود و قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور

سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب سال ۱۳۸۶ خاص بوده و در خصوص برخی از جرائم صوتی و تصویری است.

رابطه‌ی میان ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و قانون نحوه‌ی مجازات ... مصوب سال ۱۳۸۶: قبل از بیان و شرح نحوه‌ی ارتکاب هر یک از افعال و جرائم مربوط به صوت و تصویر، لازم است به این نکته اشاره شود که در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار بسیاری از افعال مادی جهت ارتکاب جرائم مربوط به صوت و تصویر را بیان و نسبت به آن‌ها جرم‌انگاری کرده است؛ اما در قانون نحوه‌ی مجازات ... سال ۱۳۸۶ بر خلاف ماده‌ی ۶۴۰ قانون‌گذار صرفاً به تولید، توزیع و تکثیر این آثار اشاره و از ذکر افعال دیگر خودداری کرده است؛ بنابراین سؤالی که مطرح می‌شود این است که، اگر یک اثر مبتذل یا مستهجن که قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات... آن را تعریف کرده و شرح داده است، در قالب یکی از افعال مندرج در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، ارتکاب یابد، متهم بر اساس کدام قانون قابل تعقیب و مجازات می‌باشد؟ به عنوان مثال، یکی از افعال مادی ارتکاب جرم در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، وارد یا صادر کردن اشیا یا آثار صوتی و تصویری خلاف عفت و اخلاق عمومی (مبتذل و مستهجن) است. حال اگر شخصی علاوه بر تکثیر و توزیع آثار مبتذل در داخل کشور، این آثار را به خارج از کشور نیز صادر کند یا برعکس، بعد از این‌که این آثار را از خارج از کشور وارد کرد، اقدام به توزیع آن کند، تکلیف چیست؟ در این جا ما با دو قانون مواجه هستیم. ۱ - ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات ... که نسبت به تکثیر آثار مبتذل یا مستهجن جرم‌انگاری کرده است. ۲ - ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا که وارد یا صادر کردن و نیز توزیع این آثار را جرم و قابل مجازات دانسته است. حال سؤال این است که در فرض فوق، شخص بر اساس کدام قانون قابل مجازات است؟ به نظر می‌رسد قانون نحوه‌ی مجازات... مقررات خاص حاکم بر آثار صوتی و تصویری مبتذل یا مستهجن را بیان کرده و نسبت به ماده‌ی ۶۴۰ که احکام کلی راجع به اشیا و اعمالی که موجب جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی می‌شود را بیان کرده، یک قانون خاص محسوب می‌باشد و بر اساس این قاعده که «عام مقدم و خاص مؤخر است که به وسیله‌ی آن تخصیص می‌خورد»، ضمن این‌که شرایط تحقق جرم موضوع ماده‌ی ۶۴۰ نسبت به قانون نحوه‌ی مجازات... ماهیتاً متفاوت می‌باشد؛ به عنوان مثال، ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، شرایط تحقق وقوع جرم را قصد تجارت یا قصد جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی دانسته؛ در حالی‌که قانون نحوه‌ی مجازات... قصد تجارت یا جریحه‌دار کردن عفت عمومی را شرط تحقق وقوع جرم ندانسته، از این رو

هر یک در محدوده‌ی قانونی خود بر حسب مورد، دارای اعتبار و قابل اجرا می باشند. نتیجه این که در مورد آثار مبتذل یا مستهجن ابتدا باید قانون نحوه‌ی مجازات... را به عنوان خاص حاکم بر این آثار ملاک قرار داد و اگر نوع و شرایط ارتکاب جرائم مربوط به صوت و تصویر، در این قانون پیش‌بینی نشده باشد، در این صورت به ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا به عنوان قانون عام مراجعه و بر اساس آن متهم قابل تعقیب و مجازات خواهد بود؛ بنابراین در فرض سؤال (تکثیر و وارد یا خارج کردن آثار سمعی و بصری مبتذل یا مستهجن) به این دلیل که قانون نحوه‌ی مجازات... نسبت به تکثیر این آثار جرم‌انگاری کرده است، عمل تکثیر آثار مبتذل یا مستهجن بر اساس همین قانون، قابل مجازات می‌باشد؛ ولی با عنایت به این که نسبت به وارد یا صادر کردن آثار سمعی و بصری مبتذل یا مستهجن در این قانون چیزی بیان نشده است؛ لذا به ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا به عنوان قانون عام مراجعه و از آن جایی که در این ماده نسبت به عمل وارد یا صادر کردن این آثار جرم‌انگاری شده است، متهم برای انجام این عمل نیز بر اساس ماده‌ی ۶۴۰ قابل تعقیب بوده و مجازات خواهد شد.

موضوع ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی به‌طور کلی راجع به اشیاء و اعمالی است که قابلیت جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی را دارد و جرائم مربوط به صوت و تصویر شامل طرح، گراور، فیلم و نوارهای صوتی یکی از مصادیق آن می‌باشد. در این ماده، فقط اشخاصی قابل تعقیب و مجازات می‌باشند که اشیاءی فوق‌الذکر را به منظور تجارت و یا به منظور جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی در معرض انظار عمومی قرار می‌دهند؛ بنابراین بر اساس این ماده، نمی‌توان شخصی را که صرفاً تصاویر یا فیلم‌ها و نوارهای مبتذل یا مستهجن را نگهداری می‌کند، مورد مجازات قرار داد. قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۱۳۸۶، همان‌گونه که از عنوان این قانون مشخص است، به‌طور اختصاصی تنها مقررات جزایی حاکم بر جرائم مربوط به صوت و تصویر و افرادی که تهیه یا تکثیر و توزیع این آثار را حرفه‌ی خود قرار داده‌اند، را بیان کرده است و از این لحاظ نسبت به ماده‌ی ۶۴۰، یک قانون خاص محسوب می‌شود، در تبصره‌ی ۲ از بند ب ماده‌ی ۳ این قانون، صراحتاً بیان شده است که دارندگان نوارهای و دیسک‌ها و لوح‌های فشرده مستهجن و مبتذل به جزای نقدی و ضبط تجهیزات و نوارها محکوم خواهند شد. با توجه به مراتب فوق، در بادی امر به نظر می‌رسد که میان ماده‌ی ۶۴۰ و قانون نحوه‌ی مجازات... تعارض وجود دارد؛ زیرا در ماده‌ی ۶۴۰ نگهداری فیلم‌ها و نوارها مبتذل جرم محسوب نمی‌شود ولی بر اساس تبصره‌ی ۲ از بند ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... نگهداری فیلم‌های مبتذل جرم و قابل مجازات است. در

مورد این که آیا در واقع امر، دو قانون فوق‌الذکر با یکدیگر تعارض دارند؟ احتمالات ذیل قابل توجه است:

۱- ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... تعارضی با هم ندارند؛ زیرا ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... فقط به آثار سمعی و بصری اشاره دارد؛ اما ماده‌ی ۶۴۰ به‌طور کلی تمام اشیا منافی عفت و اخلاق عمومی را بیان کرده است؛ بنابراین ماده‌ی ۳ عمومیت ماده‌ی ۶۴۰ را تخصیص می‌زند و ماده‌ی ۶۴۰ منصرف از آثار سمعی و بصری مذکور در ماده‌ی ۳ می‌باشد.

۲- نمونه‌های مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی شامل آثار سمعی و بصری نیز می‌شود و از آن جایی که ماده‌ی ۶۴۰ در سال ۱۳۷۵ تصویب شده است و نسبت به ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... مؤخرالتصویب است، تخصیص می‌خورد.

۳- ماده‌ی ۶۴۰ تفکیکی میان عمد و غیرعمد قائل نشده است در حالی که ماده‌ی ۳ به تولید و تکثیر و توزیع عمده‌ی آثار اشاره کرده است؛ لذا در خصوص آثار سمعی و بصری، ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... حاکم است.

۴- ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ کلیه اشیا و هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کرده و به قصد تجارت باشد را بیان داشته در حالی که ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... فقط به آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل اشاره دارد.

رکن مادی جرم: در بحث رکن مادی جرم چهار موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد: موضوع اول: مرتکب جرم: قانون‌گذار در کلیه‌ی بندهای ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی از کلمه‌ی «هرکس» استفاده کرده و هرکس اعم از مرد و زن، کارمند و غیرکارمند، نظامی و غیرنظامی و ایرانی یا خارجی می‌باشد. تمام این افراد از اشخاص حقیقی بوده و این سؤال مطرح می‌شود که اگر اشخاص حقوقی مبادرت به ارتکاب این قبیل اعمال بکنند، آیا قابل تعقیب و مجازات هستند یا خیر؟ به‌علاوه اگر مستخدمین دولتی در صدد ارتکاب این جرم برآیند نیز به همان مجازاتی محکوم خواهند شد که افراد عادی به آن محکوم می‌شوند؟ در این ماده، قانون‌گذار تفاوتی از این حیث بین شخصیت مرتکب یا مرتکبین قائل نشده در حالی که در ماده‌ی یک قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۱۳۸۶ قانون‌گذار از عبارت «هر شخصی حقیقی یا حقوقی» استفاده کرده است و مطابق تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲ این قانون، در خصوص شخصیت‌های حقوقی، بالاترین مقام اجرایی تصمیم‌گیرنده‌ی مسؤول می‌باشد، در

این قانون، قانون‌گذار از عبارت «عوامل» هم استفاده کرده است که این عبارت، شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود.

موضوع دوم: وسایل ارتکاب جرم: بسیاری از وسایل ارتکاب جرائم مربوط به صوت و تصویر در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بیان شده است، در حالی که در قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۸۶، عبارت «نوارها و دیسک‌ها و لوح‌های فشرده صوتی و تصویری» و یا «آثار سمعی و بصری» ذکر شده است و از بیان مصادیق حصری یا تمثیلی وسایل و ابزار تهیه یا تولید و نمایش این آثار خودداری شده است.

ابتدای امر ذکر نکاتی ضروری است: اول، منظور از صور قبیح چیست؟ قباح، قبیح و قبیحه همگی به معنی زشتی و ضد حسن به کار رفته‌اند، پس صور قبیحه یعنی اشکال زشت و ناپسند و غیراخلاقی که البته تشخیص آن عرفی و در ازمینه و امکانه گوناگون متفاوت است و در یک جامعه نشان دادن اندام زنان، حالت عادی داشته و در جامعه‌ی دیگر عملی بسیار زشت و مذموم تلقی می‌شود. دوم: اگر شخصی یک اثر بصری را تولید، توزیع یا تکثیر کند که در آن رفتاری بر خلاف شریعت اسلامی است، در این جا آیا باید به چنین اثری مبتذل گفت یا این که عنوان مبتذل منصرف به موارد اخلاقی است که فساد و فحشا را به ذهن متبادر می‌کند؟ در این مورد می‌توان گفت: مستفاد از عبارات و عنوان قانون، فرض دوم به واقعیت و منظور مقنن نزدیک‌تر است و می‌توان ادعا کرد که چنانچه در یک اثر مثلاً تشویق به عدم پرداخت خمس و زکات می‌شود، آن اثر مشمول ماده‌ی ۳ نیست. سوم: به نظر می‌رسد بتوانیم قائل به وجود آثار سمعی مبتذل بشویم، (بر خلاف آن چه که در مورد آثار سمعی مستهجن گفته شد) زیرا می‌توان به وفور آثار سمعی (صوتی) ضبط شده بر روی نوار کاست یا سی دی که مضامین خلاف اخلاق را ترویج و تبلیغ می‌کند، مشاهده کرد، البته در این مورد هم می‌توان گفت، تعریفی که قانون‌گذار از مفهوم مبتذل در تبصره‌ی یک از بند ب ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... کرده است، با توجه به عبارت «صحنه‌ها و صور قبیحه» صرفاً مشمول آثار تصویری می‌شود که این امر نیز ناشی از اشتباه قانون‌گذار است. چهارم: طریقه‌ی تشخیص آثار مبتذل و مستهجن در تبصره‌ی ماده‌ی یک قانون پیش‌بینی شده است. بر اساس این ماده، دادگاه می‌تواند نظر کارشناس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تبعاً ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک قرار دهد. در تبصره‌ی فوق‌الذکر، الزامی برای استعمال از مراجع یاد شده وجود ندارد؛ بلکه بنا به تعریفی که قانون‌گذار از آثار مستهجن و مبتذل کرده و تکیه بر عرف، قاضی می‌تواند شخصاً و البته با رعایت موارد قانونی و عرفی آن آثار را از یکدیگر باز شناسد، البته با توجه به این که قانون‌گذار یک مفهوم کلی از آثار مبتذل

را ارائه داده است، اگر تشخیص ابتذال یا عدم ابتذال با قاضی دادگاه باشد، با توجه به سلايق و استنباطهای مختلف قضات، این امر ممکن است موجب تشتت آرا شود؛ لذا بهتر است که قانون گذار قضات را مکلف کند تا برای تشخیص ابتذال یا عدم ابتذال یک اثر را از نظر نهاد یا شخص حقوقی یا حقیقی متبخر در این زمینه استفاده کند.

بند یک ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی وسایل ارتکاب جرم را به شرح ذیل معرفی کرده است:

«هرکس نوشته یا طرح یا گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، اعلام، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید، برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد و یا بسازد و یا برای تجارت و توزیع نگهدارد». حال باید دید چه نوع نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، اعلام، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی اشیای دیگر باعث جریحه دار شدن عفت و اخلاق عمومی می شود که قانون گذار تجارت و توزیع، ساختن و به معرض انظار عمومی گذاردن آن را نهی کرده است. آیا اشیای مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ جنبه‌ی حصری دارد یا تمثیلی؟ به عبارت دیگر، با توجه به این که قانون گذار در بند ۱ ماده‌ی ۶۴۰ اشیایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار می کند، معرفی کرده است، این سؤال مطرح می شود که قانون گذار صرفاً نسبت به این اشیا جرم‌نگاری کرده است یا به سایر اشیا نیز توجه داشته است؟ و در این صورت ملاک و ضابطه در این خصوص چیست؟ در این مورد سه نظریه وجود دارد:

نظر اول بیان گر این است که موارد مصرحه در ماده‌ی ۶۴۰ جنبه‌ی حصری داشته و شامل اشیای دیگر نمی شود. اداره‌ی حقوقی در نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۲۱۹۲ مورخ ۱۳۸۲/۳/۲۱ حصری بودن اشیای مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ را به طور ضمنی پذیرفته است. این نظریه اشعار می دارد: «با توجه به تبصره‌ی یک ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا چون کامپیوتر جزء اشیاء مندرج در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ مذکور نمی باشد، از شمول ماده‌ی ۶۴۰ خارج بوده و باید به صاحب آن مسترد گردد.» (مجموعه نظریه‌های مشورتی جزایی ۱۳۴۲ - ۱۳۸۳ / ۴۳۶). به نظر می رسد که نظریه‌ی اداره حقوقی چندان قابل قبول نمی باشد؛ زیرا اولاً تبصره‌ی یک ماده‌ی ۶۴۰ هیچ ارتباطی با حصری یا تمثیلی بودن موارد مذکور در این ماده ندارد. این تبصره مربوط به اشیایی است که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر، تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف قرار می گیرند؛ لذا استناد به این تبصره جهت اثبات این ادعا که، اشیای مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ جنبه‌ی حصری دارد، موجه نمی باشد.

ثانیاً در قسمت اخیر بند ۱ ماده‌ی ۶۴۰ عبارت «به‌طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند» بیان شده است و این عبارت حصری بودن اشیای مذکور را نفی می‌کند؛ بنابراین نظریه اداره‌ی حقوقی، به دلایل پیش‌گفته غیر قابل پذیرش است.

نظریه‌ی دوم دلالت بر این امر دارد که ماده‌ی ۶۴۰ به‌طور کلی جنبه‌ی تمثیلی دارد و کلیه اشیایی که بر خلاف و اخلاق عمومی می‌باشد را شامل می‌شود. (حقوق کیفری اختصاصی/۵۸۱/۲). یکی از حقوق‌دانان در این مورد می‌گوید: «مستنبط از عبارت (... و یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کند) اشیای نام برده شده در ماده‌ی حصری نبوده و جنبه‌ی تمثیلی دارد، مانند این که نوار کاست صوتی که موسیقی لهُو و لعبی داشته باشد را نیز شامل می‌شود.» (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی / ۲۲۸).

در نظریه‌ی سوم، نظریه‌ی اول که موارد مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ را صرفاً حصری می‌داند و نظریه‌ی دوم که به‌طور اطلاق قائل به تمثیلی بودن موارد مذکور در این ماده می‌باشد، تعدیل شده است. مطابق این نظریه «اشیای مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، جنبه‌ی تمثیلی دارد و ملاک، آن است که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، اما در تسری آن به اشیای دیگر باید سنخیت میان آن‌ها را رعایت کرد؛ یعنی این اشیا باید از نوع سمعی و بصری و نوشته و تصویر و اشیایی باشد که قابلیت جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی را داشته باشد.» (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی / ۴۴۹).

به نظر می‌رسد، نظریه‌ی سوم با توجه به نوع اشیا و وسایل نام برده شده در این ماده به نظر قانون‌گذار نزدیک‌تر باشد؛ بنابراین می‌توان گفت، از یک طرف اشیای نام‌برده شده در ماده‌ی ۶۴۰ جنبه‌ی حصری ندارد و از طرف دیگر سایر اشیا در صورتی مشمول این ماده می‌شود که با اشیای نام‌برده شده سنخیت داشته باشد.

موضوع سوم: نحوه‌ی (ارتکاب جرم) نحوه‌ی ارتکاب جرم به صورت تجارت، وارد یا صادر کردن، نمایش و در معرض انظار عمومی گذاردن، کرایه دادن، ترویج و انتشار دادن، تکثیر و توزیع می‌باشد که به شرح زیر می‌باشد.

تجارت: تجارت آثار صوتی و تصویری مبتذل یا مستهجن، زمانی به عنوان رکن مادی جرم مطرح است که باعث جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی می‌شود. تجارت را «معاملات به قصد انتفاع به طوری که در عرف به آن صدق تجارت نماید، تعریف کرده‌اند.» (ترمیم‌ولوژی حقوق / ۱۳۸). منظور از تجارت در ماده‌ی ۶۴۰ دادوستد کردن و خریدوفروش اشیا مورد نظر قانون‌گذار بوده و توزیع نیز به معنی پراکنده کردن آن بین مردم می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ و ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۸۶، ذکری از خریدار اشیای خلاف عفت و اخلاق عمومی نکرده است و این سؤال مطرح می‌شود که آیا خریدار فیلم‌ها، نوارها و سایر اشیای ذکر شده در ماده‌ی ۶۴۰ مشمول این ماده و قانون نحوه‌ی مجازات... می‌شوند؟ به نظر می‌رسد اگر هدف از خرید صرف استفاده شخصی بدون قصد توزیع آن باشد، یا به عبارت دیگر هدف از خرید صرفاً نگهداری از آن اشیا باشد، به نظر می‌رسد خرید این اشیا مشمول ماده‌ی ۶۴۰ نخواهد بود. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که اگر کسی فیلم‌ها یا نوارها و سایر اشیای منافی عفت و اخلاق عمومی را به دیگری هبه کند، مشمول ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... و ماده‌ی ۶۴۰ خواهد شد یا خیر؟ در این مورد گفته شده است: کلمات «تجارت» و «معامله» ظهور در معاملات معوض و انتفاعی دارد؛ بنابراین اگر کسی این اشیا را به دیگران هبه کند و مجاناً در اختیار آن‌ها قرار دهد، مشمول این ماده (ماده‌ی ۶۴۰) نمی‌شود. (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی/۴۴۶). این نظریه که مبتنی بر مجرمانه نبودن هبه فیلم‌ها و نوارهای مستهجن است چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً فلسفه‌ی وضع قانون نحوه‌ی مجازات... و ماده‌ی ۶۴۰، جلوگیری از انجام اعمال منافی عفت و اخلاق عمومی از طریق مختلف از جمله انتشار فیلم‌ها و نوارهای مبتذل می‌باشد و عدم اعتقاد به مجرم بودن شخصی که وسایل مزبور را به دیگری هبه می‌کند، به صرف این استدلال که مشمول معاملات معوض نمی‌باشد و اعمال مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ حتماً باید معوض و به قصد انتفاع باشد، مخالف با مبانی جرم‌انگاری و فلسفه‌ی وضع ماده‌ی ۶۴۰ می‌باشد. ثانیاً هر چند قانون‌گذار در بند یک ماده‌ی ۶۴۰ به کلمه‌ی «تجارت» اشاره کرده است و کلمه‌ی تجارت ظهور در قصد انتفاع دارد؛ اما از یک طرف در همان بند از کلمه‌ی «توزیع» نیز استفاده شده است که این کلمه مشمول عمل هبه کردن اشیای مزبور به شخص دیگر نیز می‌شود و از طرف دیگر قانون‌گذار در بندهای بعدی از عبارت «به نحوی از انحا» نیز استفاده نکرده است که این عبارت نیز دلالت بر مجرمانه بودن عمل هبه کردن اشیا منافی عفت دارد؛ همچنین در ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... که عوامل اصلی یا غیراصلی تولید، تهیه، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن به عنوان مجرم قابل مجازات می‌باشند، قانون‌گذار فرقی میان تجاری یا غیرتجاری بودن عمل تولید یا تکثیر این آثار قائل نشده است. وارد یا صادر کردن: یکی دیگر از راه‌های تحقق عنصر مادی جرم، عبارت از وارد یا صادر کردن یکی از اشیاء یا آثار مبتذل یا مستهجن می‌باشد که این امر شامل وارد کردن

اشیا از خارج به داخل مرزها و سرزمین کشور و یا خارج کردن آن از داخل به خارج از کشور می‌باشد. مطابق بند ۲ ماده‌ی ۶۴۰، لازم نیست مرتکب مستقیماً مبادرت به صادر یا وارد کردن اشیای مزبور بنماید؛ بلکه اگر به دیگری دستور هم بدهد به عنوان مباشر معنوی جرم مشمول این ماده خواهد بود. در مورد شخصی که به دستور دیگری مبادرت به وارد یا صادر کردن اشیای مزبور می‌نماید، گفته شده است: «شخصی که به دستور دیگری مباشرت به این کار می‌کند، ظاهراً مشمول این بند نیست؛ اما اگر دستور دهنده قصد تجارت داشته باشد و مباشر هم حق الزحمه دریافت کند، به عنوان واسطه در تجارت مشمول بند ۲ ماده‌ی ۶۴۰ قرار خواهد گرفت.» (همان/۴۴۷). در واقع در قسمتی که فرد، دلال یا واسطه‌ی انجام خریدوفروش می‌شود، عنوان معاونت وفق ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی را دارد که نظر به اهمیت موضوع، مجازات آن، مجازات مباشر جرم می‌باشد؛ به عبارت دیگر، معاونت در این قسمت، مانند فاعل مستقل مورد توجه قرار گرفته است، هم‌چنین منظور از عبارت «... اهداف فوق...» در بند ۲، همان هدف تجارت یا توزیع یا به نمایش و یا در معرض انظار عمومی گذاردن است که اثبات این هدف جز ضروری تطبیق افعال مندرج در بند ۲ با ماده‌ی ۶۴۰ است؛ لذا «چنان‌چه شخصی این اشیا را برای استفاده شخصی و نه به قصد تجارت یا توزیع یا... وارد نماید، مشمول حکم مندرج در بند ۲ نیست.» (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی/۲۲۷). هم‌چنین به اعتقاد یکی دیگر از اساتید حقوق «اعمال مندرج در بندهای یک و دو ماده‌ی ۶۴۰ صرفاً باید با هدف تجارت یا توزیع باشد.» (بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۳-۲-۱)/۳۳۹).

نمایش و در معرض انظار عمومی گذاردن؛ نمایش؛ یعنی، چیزی را به شخص یا گروهی به هر وسیله نشان دادن. در فرهنگ لغت نیز، نمایش به نشان دادن و نمایاندن معنی شده است. یکی دیگر از افعالی که باعث جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی می‌شود، این است که اشیا و یا نوارها و فیلم‌های مبتذل و یا مستهجن موضوع ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی باید به قصد تجارت یا توزیع به نمایش گذاشته و یا در معرض دیدگان عموم قرار دهند. در مورد مفهوم در معرض انظار عمومی گذاردن اشیای مزبور گفته شده است: «یعنی این اشیا در ویتترین مغازه یا محلی قرار داده شود که قابل رؤیت همگان باشد.» (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی/۴۴۸) و نیز گفته شده است، «مراد از عبارت «در معرض انظار عمومی قرار دادن» در این‌جا به معنی چسبانیدن به در و دیوار یا قرار دادن در ویتترین یا تابلو محل آگهی‌ها به نحوی که برای افراد زیادی قابل رؤیت و مشاهده باشد.» (جرائم علیه عفت و اخلاقی عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی/۲۲۸). به نظر علمای حقوق

حتماً لازم نیست که محل مورد بحث برای عامه مردم و هیأت اجتماعی آماده باشد؛ بلکه همین قدر که چند نفر محدود و معین هم در آنجا حضور داشته باشند و یا این که امکان حضورشان فرض شود، باز هم مرئی و منظور عمومی تحقق یافته است. (مهنامه قضایی/ ۷۰).

قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۸۶ همانند سایر افعال مادی ارتکاب جرم، در مورد در معرض انظار عمومی گذاردن آثار سمعی و بصری غیرمجاز، چیزی بیان نکرده است.

کرایه دادن: کرایه به معنای مزد، اجرت و پولی که مستأجر بابت اجاره خانه یا دکان یا دواب بدهد و مزد و حقوق عبارت از وجه نقد یا هر گونه مزایای غیرنقدی که در مقابل انجام کار به کارگر داده شود. (ترمینولوژی حقوق / ۴۶۱). بنا بر تعریف فوق و آنچه که امروزه در جامعه ما رایج است، کرایه دادن آثار صوتی و تصویری یک امر بسیار عادی تلقی می‌شود. یکی از انواع این آثار، فیلم‌های خلاف عفت و اخلاق عمومی است که عده‌ای از این راه تحصیل مال می‌نمایند در ماده‌ی ۲ قانون نحوه‌ی مجازات... قانون‌گذار هرگونه فعالیت تجاری در زمینه‌ی تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار صوتی و تصویری را منوط به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کرده و برای متخلفین از این امر مجازات جزای نقدی در نظر گرفته است، هم‌چنین بند ۲ ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا کرایه دادن اشیای مصرحه در این ماده را جرم و قابل مجازات می‌داند.

ترویج و انتشار دادن: یکی دیگر از افعالی که انجام آن باعث تحقق رکن مادی جرم می‌باشد، عمل ترویج و انتشار دادن اشیا و آثار مربوط به صوت و تصویر است. ترویج به معنای رواج دادن و روا کردن چیزی بیان شده است. (همان/ ۱۵۰). ترویج به عنوان یکی از افعال رکن مادی زمانی محقق می‌شود که موارد مصرحه در این قانون به نحوی در سطح جامعه اشاعه یابد؛ به عبارت دیگر، برای تحقق ترویج، انجام اعمالی به منظور برانگیختن احساسات افراد با هدف متمایل کردن به استفاده از آن‌ها و تشویق استفاده کنندگان لازم است؛ به عنوان نمونه، می‌توان به پخش آگهی‌های تبلیغاتی فروش بسیار ارزان لباس‌های مبتذل، کتب و یا اعطای جوایز به استفاده کنندگان از آن کالاها و هم‌چنین چاپ و انتشار تصاویر و صور قبیحه و توزیع رایگان آن در بین افراد جامعه اشاره کرد. انتشار هم به معنی پراکندگی و گسترده شدن چیزی می‌باشد.

تکثیر و توزیع: یکی دیگر از افعالی که به عنوان رکن مادی جرایم مربوط به صوت و تصویر در قانون نحوه‌ی مجازات... مطرح شده است، تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز می‌باشد و قانون‌گذار در ماده‌ی ۳ این قانون، عوامل توزیع و تکثیر آثار سمعی و بصری غیرمجاز را با توجه به محتوای محصول این آثار، به مجازات حبس و جزای نقدی و نیز ضبط تجهیزات محکوم کرد. از نظر لغوی، توزیع به پراکنده کردن، پخش کردن، قسمت کردن چیزی میان مردم و تکثیر به زیاد کردن و افزون کردن معنی شده است. (فرهنگ فارسی عمید/۲/ ۴۷۲). اولین نکته‌ای که در ارتباط با تکثیر و توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز وجود دارد این است که قانون‌گذار بعد از این که در بند الف ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... نسبت به عوامل اصلی تولید، تکثیر و توزیع عمده این آثار مجازات معین کرده است، در تبصره‌ی یک این بند، عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری را مشخص کرده که عبارتند از: تهیه کننده (سرمایه‌گذار)، کارگردان، فیلم‌بردار و بازیگران نقش اصلی، در حالی که عوامل اصلی تکثیر و توزیع این آثار را به این صورت معین و مشخص نکرده است؛ بنابراین این ابهام وجود دارد که چه افرادی که عوامل اصلی تکثیر یا توزیع آثار سمعی و بصری غیرمجاز شناخته می‌شوند؟ در این مورد شاید گفته شود از آنجایی که در تولید یک اثر تصویری ممکن است افراد زیادی مشارکت داشته باشند که درجه‌ی دخالت و اهمیت این افراد با یکدیگر مختلف می‌باشد؛ لذا بر این اساس قانون‌گذار افراد و عواملی که نقش محوری و تعیین کننده در تولید یک اثر سمعی و بصری را دارند معرفی و مجازات شدیدتری را برای آن‌ها در نظر گرفته است؛ اما در مورد تکثیر یا توزیع این گونه آثار، چنین گستردگی و تعدد فردی وجود ندارد و عدم تعیین عوامل اصلی تکثیر یا توزیع از سوی قانون‌گذار، قابل توجیه است. در پاسخ این استدلال ممکن است گفته شود، قانون‌گذار در تبصره‌ی ۳ بند الف ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات... بیان می‌کند: «سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع موضوع بند «الف» به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال و محرومیت اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند». ذکر عبارت «سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع» منطقیاً در این تبصره باید بیان‌گر این باشد که قانون‌گذار، میان عوامل اصلی تولید، تکثیر و توزیع آثار غیرمجاز با عوامل غیراصلی، تفاوت قائل شده است و نسبت به عوامل اصلی مجازات شدیدتری نسبت به سایر عوامل در نظر گرفته است.

نگهداری اشیاء و آثار سمعی و بصری مبتذل یا مستهجن: یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به جرائم صوتی و تصویری، بحث نگهداری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن بوده است. در این مورد با توجه به تعارض ظاهری ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی سال

۱۳۷۵ که دلالت بر جرم نبودن صرف نگاه‌داری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن داشته با ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی... مصوب سال ۱۳۷۲ (که به‌موجب قانون سال ۱۳۸۶ نسخ شده است) که دلالت بر جرم بودن این فعل داشته است، در عمل میان دادگاه‌ها و قضات راجع به اعمال مجازات به استناد ماده‌ی اخیرالذکر یا جرم نبودن عمل به استناد ماده‌ی ۶۴۰ اختلاف ایجاد شد که این اختلاف نهایتاً منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره‌ی ۶۴۵ - ۱۳۷۸/۹/۲۳ از سوی دیوان عالی کشور شد. رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۴۵ - ۱۳۷۸/۹/۲۳: «نظر به این که بر طبق ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) که به‌موجب ماده‌ی ۷۲۹ همان قانون کلیه مقررات مغایر با آن لغو شده، نگاه‌داری طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدئو یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند، در صورتی که به منظور تجارت یا توزیع باشد جرم محسوب می‌شود؛ بنابراین صرف نگاه‌داری وسایل مزبور در صورتی که تعداد آن معد برای امر تجارت و توزیع نباشد، از شمول ماده‌ی ۶۴۰ قانون مذکور خارج بوده و فاقد جنبه‌ی جزایی است».

نتیجه این رأی وحدت رویه مربوط به آن دسته از افرادی است که صرفاً و به منظور استفاده شخصی، فیلم‌های مبتذل و مستهجن را نگاه‌داری می‌کنند و نافی جرم بودن عمل سایر افراد که به‌طور حرفه‌ای در این امر فعالیت می‌کنند و نیز افرادی که به‌طور عمدی این آثار را نگاه‌داری می‌کنند، نمی‌باشد. ابهام دیگری که در این رأی وحدت رویه وجود دارد این است که رأی وحدت رویه مذکور قصد تجارت را برای جرم شناختن بزه موضوع ماده‌ی ۶۴۰ به‌طور عموم ضروری دانسته و این در حالی است که به نظر می‌رسد مفاد رأی صرفاً شامل بندهای یک و دو ماده‌ی ۶۴۰ می‌باشد و شامل کلیه بندهای چهارگانه نمی‌شود؛ چراکه در بندهای ۳ و ۴ قصد تجارت یا توزیع لازمه‌ی وقوع جرم به‌شمار نیامده و چنین استنباطی خلاف متن صریح ماده است؛ بنابراین در این قسمت، رأی غیرقابل توجیه است مگر این که قائل به این تفسیر باشیم که مفاد رأی صرفاً ناظر به بندهای اول و دوم ماده‌ی ۶۴۰ است و شامل دو بند ۳ و ۴ نمی‌شود که این استدلال بیش‌تر به نظر مقنن نزدیک است. نکته‌ی دیگر این است که در رأی وحدت رویه، جرم نبودن عمل نگاه‌داری مقید به «معد نبودن برای تجارت و توزیع» کرده است؛ بنابراین بر اساس این قید و با استفاده از مفهوم مخالف رأی وحدت رویه می‌توان گفت که تنها زمانی نگاه‌داری وسایل و آثار سمعی و بصری مبتذل یا مستهجن جرم است که تعداد آن بیان‌گر قصد ضمنی بر تجارت باشد. مطابق نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۷۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۴ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه «تشخیص این که

جرائم صوتی و تصویری در قلمرو عفت و اخلاق عمومی _____ ۱۵۳

نوارهای نگه‌داری شده از لحاظ تعداد معد برای (مجموعه قانون مجازات اسلامی/۴۱) تجارت بوده یا خیر به عهده دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده است.»

موضوع چهارم: نتیجه‌ی حاصله: در ارتباط با جرائم مربوط به صوت و تصویر که در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا و قانون نحوه‌ی مجازات... سال ۸۶ نسبت به آن جرم‌انگاری شده است، سؤالی که مطرح می‌شود این است که این جرائم مقید به وقوع نتیجه‌ی مورد نظر مرتکب؛ یعنی، تجارت یا جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی و یا سایر قصدهای مجرمانه؛ مانند، هتک حیثیت و از بین بردن عرض و آبروی افراد و مانند آن می‌باشد یا خیر؟ جرائم مقید «آن دسته از جرائمی هستند که با «تحقق نهایی» و «کامل شدن» آن‌ها مقید به حصول نتیجه مورد نظر مرتکب است و تا زمانی که این نتیجه حاصل نشده است، نمی‌توان گفت که جرم خاتمه یافته است.» (دوره حقوق جزای عمومی/۲/ ۳۸۴). در مورد جرائم مطلق نیز گفته شده است: «جرائم مطلق، جرائمی هستند که تحقق و کامل شدن آن‌ها، منوط به اخذ نتیجه‌ی مورد نظر مجرم نیست و قانون‌گذار مطلق عملی را جرم می‌شناسد و در صورتی که صدمه یا خسارتی هم وارد نیامده باشد، مرتکب عمل مجرمانه را مجازات می‌کند.» (حقوق جزای عمومی/۱/ ۲۸۷). قانون‌گذار در بند یک ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، از عبارت «هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید...» استفاده کرده است؛ بنابراین این شبهه ایجاد می‌شود که آیا جرائم موضوع ماده‌ی ۶۴۰ مقید به حصول نتیجه؛ یعنی، جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی می‌باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد با توجه به تعریف جرم مطلق که صرف انجام عمل مجرمانه صرف نظر از ایجاد نتیجه است، قطع نظر از این که تهیه، توزیع و دیگر موارد مندرج در بندهای چهارگانه ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا موجب جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی شود یا خیر، آن عمل جرم محسوب می‌شود، بنابراین، جریحه‌دار شدن عفت اخلاق عمومی شرط تحقق بزه موضوع ماده‌ی ۶۴۰ نیست؛ بلکه همین که فردی یکی از افعال مندرج در بندهای چهارگانه این ماده را انجام دهد، جرم محسوب می‌شود؛ لذا برای اعمال مجازات نیازی به اثبات این که عملاً به واسطه‌ی عمل آن شخص به عفت و اخلاق عمومی افراد جامعه خدشه وارد شده است، نمی‌باشد. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که: «مستفاد از ماده‌ی ۶۴۰ وجود اشیای نامبرده شده و یا سایر مصادیق آن فی نفسه باید قابلیت جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق اسلامی را داشته باشد.» (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی/ ۴۸۱). بنابراین منظور قانون‌گذار از عبارت «عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید» این نیست که عملاً عفت و اخلاق عمومی جریحه‌دار شود؛ بلکه همین که یک شیء یا اثری که در

حوزه‌ی صوت و تصویر می‌باشد، قابلیت جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی را داشته باشد، کافی بوده و جرم محقق می‌شود.

قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب سال ۱۳۸۶ در هیچ ماده و تبصره‌ای، به نتیجه‌ی مورد نظر مرتکب یکی از افعال جرائم مربوط به صوت و تصویر اعم از تولید، توزیع، تکثیر اشاره‌ی نکرده است و این نشان می‌دهد جرائمی که مشمول این قانون می‌باشند، به هیچ وجه مقید به حصول نتیجه نمی‌باشند؛ بنابراین اگر شخصی فیلم‌های مبتذل و مستهجن را به فردی به صورت رایگان یا معوض بدهد تا آن را مشاهده کند؛ اما به هر دلیلی آن شخص نتواند آن فیلم را ببیند؛ مثلاً، دستگاه ویدئو آن شخص خراب بوده باشد، در این صورت چون عمل توزیع فیلم مبتذل یا مستهجن تحقق یافته است، این عمل مشمول قانون مورد بحث بوده و عدم مشاهده آن فیلم توسط گیرنده، مانع مرتکب مجازات مرتکب نمی‌باشد، هم‌چنین اگر فرد یا افرادی اقدام به تولید و یا بازیگری در یک فیلم مستهجن بکنند ولی قبل از این که خود آن‌ها یا دیگران موفق به تکثیر یا توزیع آن شوند، فیلم مورد نظر توسط ضابطین دادگستری توقیف و در نتیجه تکثیر آن منتفی شود، با این وجود جرم به صورت کامل واقع شده و عدم حصول نتیجه‌ی مورد نظر مرتکب یا مرتکبین تأثیری در تحقق جرم ندارد.

رکن معنوی جرائم مربوط به صوت و تصویر؛ علاوه بر رکن قانونی (مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا) و رکن مادی (جرم مبتنی بر وقوع عمل در خارج)، عمل باید از اراده‌ی مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید «میان عمل و شخص عامل، رابطه‌ی روانی (یا رابطه‌ی ارادی) موجود باشد که آن را عنصر روانی (یا معنوی) می‌نامند.» (بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳) / ۱۷۸). «قصد مجرمانه، عبارت است از نیت جرم و عزم و تصمیم به ارتکاب جرم.» (ترمینولوژی حقوق / ۵۴۷). قصد را معمولاً به اراده‌ی تمایل به یک هدف مشخص تعریف می‌کنند یا به عبارت دیگر اراده‌ی هدایت شده به سوی هدف معینی را قصد گویند. «در حقوق جزا قصد مجرمانه را می‌توان میل و خواستن قطعی و منجز به انجام عمل یا ترک عملی دانست که قانون آن را نهی کرده است.» (زمینه حقوق جزای عمومی / ۱۹۷). بنابراین قصد جرم عبارت است از نیت و عزم و تصمیم به ارتکاب جرم. قصد مجرمانه برای ارتکاب عملی باید تظاهرات عینی خارجی پیدا کند تا بتوان فاعل عمل مجرمانه‌ای را تحت تعقیب و مجازات قرار داد. ارتکاب یک عمل مجرمانه به خودی‌خود دلیل وجود عنصر روانی نیست و در مواردی با آن که عمل مجرمانه‌ای صورت

می‌گیرد، قانون مرتکب آن را به خاطر فقدان قصد مجرمانه یا مسؤولیت جزایی، قابل مجازات نمی‌داند؛ به‌طور کلی می‌توان گفت برای آن که عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد: یکی اراده‌ی ارتکاب جرم و دیگری قصد مجرمانه. «اراده‌ی ارتکاب آن است که شخص بخواهد عملی را با علم به مجرمانه بودن آن انجام دهد که به آن سوء نیت عام می‌گویند.» (حقوق جزای عمومی/ ۱/ ۳۰۵). از طرف دیگر، عملی که اراده‌ی ارتکاب صورت می‌گیرد؛ چنان‌چه با قصد مجرمانه یا خطا توأم نباشد، به این خاطر که فاقد عنصر معنوی، رابطه‌ی روانی است که بین مجرم و اعمال ارتكابی وجود دارد. (دوره حقوق جزای عمومی/ ۲۰۲).

رکن معنوی جرائم مربوط به صوت و تصویر در قلمرو ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: در ارتکاب جرم موضوع ماده‌ی ۶۴۰، علاوه بر علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور جریحه‌دار ساختن عفت و اخلاق عمومی نیز شرط است؛ بنابراین کسی که اقدام به تجارت یا توزیع یا به نمایش و معرض انظار عمومی قرار دادن اشیای مورد بحث می‌کند، باید عالم به موهن و مستهجن و مبتذل بودن اشیا و افعالی که انجام می‌دهد نیز باشد. در این مورد گفته شده است: «سوء نیت در جرم انتشار اشیای موهن همواره مفروض است و نیازی به اثبات خلاف آن به عهده‌ی متهم می‌باشد؛ چراکه نوع و ماهیت عمل ارتكابی، خود بیان‌گر وجود سوء نیت در مرتکب جرم می‌باشد.» (حقوق کیفری اختصاصی/ ۳/ ۵۸۵). به نظر ما نیز سوء نیت عام در جرم موضوع ماده‌ی ۶۴۰، شامل مواردی است که مرتکب با علم به ممنوع بودن اعمال با اراده و خواست خود و با اختیار کامل مبادرت به ساختن، نگهداری، وارد یا صادر کردن و سایر موارد پنج‌گانه‌ی افعال مادی که قبلاً اشاره شد، کند؛ به عبارت دیگر، سوء نیت عام در جرم موضوع ماده‌ی ۶۴۰، علم و اراده‌ی ارتکاب هر یک از افعال مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ می‌باشد. در حوزه‌ی سوء نیت خاص، اختلاف نظر بین حقوق‌دانان وجود دارد. برخی حقوق‌دانان قصد مرتکب در جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی را عمد خاص عنوان (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق تکالیف خانوادگی/ ۲۲۸) و عده‌ای در مقابل، قصد تجارت را سوء نیت خاص مجرم بر شمرده‌اند. (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی/ ۴۸۱).

در مورد این‌که قصد جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی نیز شرط تحقق جرم است یا خیر؟ ممکن است بتوان چنین تفکیک کرد: در مواردی که تصریح به هدف تجارت نشده است، باید قصد جریحه‌دار کردن عفت اخلاق عمومی را سوء نیت خاص به حساب آورد؛ بنابراین اگر کسی چنین قصدی نداشته باشد یا علم به این امر نداشته باشد (جهل

موضوعی) عمل او مشمول این ماده نخواهد بود؛ اما اگر قصد تجارت بیان شده باشد، همین قصد به عنوان سوء نیت خاص برای تحقق جرم کافی است، البته قصد جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی در این ماده بیان نشده است؛ بلکه جریحه‌دار کردن اخلاق و عفت عمومی، صفت اشیا و افعال می‌باشد؛ به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی، صفت اشیا و افعال می‌باشد؛ به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد جریحه‌دار شدن عفت و اخلاق عمومی ناشی از به کارگیری اشیا در قالب چهارگانه‌ی ماده‌ی ۶۴۰ باشد و قصد مرتکب در تجارت و توزیع، سوء نیت خاص این جرم می‌باشد. نتیجه این که، اگر کسی حتی به جهت کسب درآمد و ثروت مبادرت به انجام اعمال مندرج در ماده‌ی ۶۴۰ بکند، صرف نظر از این که قصد جریحه‌دار کردن اخلاق و عفت عمومی را داشته یا نداشته باشد، مشمول حکم این ماده قرار خواهد گرفت.

رکن معنوی جرائم صوتی و تصویری در قلمرو قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که... مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶؛ در ماده‌ی ۲ این قانون بیان شده است که: «هرگونه فعالیت تجاری در زمینه‌ی تولید، توزیع، تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد...». از این ماده استنباط می‌شود که اولین شرط فعالیت در زمینه‌ی آثار سمعی و بصری داشتن مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد؛ بنابراین اگر کسی بدون مجوز اقدام در این زمینه کند، سوء نیت وی مفروض و علاوه بر مجازات این جرم به مجازات جرائم دیگری در امر تکثیر، تولید و یا توزیع مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد، البته صرف داشتن مجوز از وزارت موصوف دلیل بر مشروعیت تمام فعالیت‌ها در این خصوص نمی‌باشد؛ بلکه در صورت داشتن مجوز نیز اگر اقدام به توزیع، تولید و تکثیر آثار مبتذل یا مستهجن کند، مجرم بوده و مجازات خواهد شد. قانون‌گذار در این ارتباط توجهی به قصد و نیت شخص در امر تجارت یا جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی نداشته، در حالی که در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ شرط تحقق جرم احراز این قصد بوده است.

غناء و احکام آن، حکم تصویر و حکم نگهداری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن در فقه اسلامی

در فقه اسلامی در خصوص موضوع مانحن فیه سه بحث مهم وجود دارد که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت است از: اول) غناء و احکام آن، دوم) حکم

تصویر در فقه اسلامی و سوم) حکم نگه‌داری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن در فقه اسلامی.

اول) غناء و احکام آن: در فقه، تعاریف متعدد، لیکن مشابهی از غناء ارائه شده‌است. شیخ مرتضی انصاری در مکاسب، تعاریف فقها از غناء را جمع‌آوری کرده که به اختصار به آن اشاره می‌شود: «فیومی در مصباح المنیر آورده است: غناء صوت است. شافعی در نهاییه آن را تحسین صوت و ترفیق آن دانسته و آن را چنین تعریف نموده: هرکس که صدایش را بالا ببرد و پشت سر هم بیاورد، عرب آن را غنا می‌داند. بهترین تعریفی که در این‌باره وارد شده است، تعریف جوهر در صحاح اللغه است که مشهور فقها نیز تعریف نزدیک به آن ارائه کرده‌اند: غناء عبارت است از کشیدن صدا همراه با ترجیع و طرب.» (المکاسب/۲/۳۰۳). شهید ثانی در شرح لعمه می‌فرماید: «الغناء هو الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب، او ما سمی فی العرف غناء و ان لم یطرب.» (الروضه البهیة فی شرح اللعنه دمشقیه/ ۱۷۵). از این عبارت استفاده می‌شود که ممکن است صدایی طرب‌آور نباشد و به نظر عرف غناء نامیده شود. عده‌ای از علماء، از قبیل محقق اردبیلی در مجمع البرهان و صاحب ریاض و صاحب جواهر و فاضل مقداد و محقق خوانساری در جامع المدارک، احاله حقیقت غناء را به عرف پذیرفته‌اند. سید عبدالاعلی سبزواری در کتاب مهذب الاحکام (غناء در آیینی شفاف اهل بیت/۱۴). تعریف مزبور را توجیه کردند به این‌که، چون غناء را نمی‌شود توصیف کرد؛ لذا حواله دادن به عرف موجه و درست است. امام خمینی (ره) در تعریف غناء می‌فرماید: «انجام دادن و شنیدن غناء و کسب کردن آن حرام است و غنا، تنها زیبا کردن صدا نیست؛ بلکه عبارت از کشیدن و برگرداندن صدا با کیفیت خاصی است که طرب‌آور و مناسب مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ادوات موسیقی باشد.» (المکاسب المحرمه/۲/۳۵۰). مقام معظم رهبری، نیز در پاسخ به سؤال، غناء و موسیقی را این‌گونه تعریف می‌کند: «غناء یعنی ترجیع صدا، به نحوی که مناسب با مجالس لهو باشد که از گناهان بوده و بر خواننده و شنونده حرام است؛ ولی موسیقی، نواختن آلات آن است که اگر به نحو معمول در مجالس لهو و گناه باشد، هم بر نوازنده و هم بر شنونده حرام است و اگر به آن نحو نباشد، فی نفسه جائز است و اشکال ندارد.» (رساله اجوبه الاستفتائات/۲۵۰). محمدتقی جعفری درباره‌ی موسیقی گفته‌اند: «... از مجموعه مطالعات درباره‌ی این پدیده می‌توان به دو اصطلاح عمده دسترسی پیدا کرد: ۱- مفهوم عمومی موسیقی: این مفهوم شامل هر صدا و آهنگی می‌باشد که در تأثیر در روان آدمی از نظر احساسات و توجهات روانی به وجود می‌آورد. ۲- مفهوم خاص موسیقی: این نوع موسیقی به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود، مانند موسیقی کلیسا، اسپرت، و ... البته تقسیم

دیگری درباره‌ی موسیقی گفته شده، موسیقی طبیعی: نغمه‌ی جویبارها، صدای آبشارها، صدای وزش بادهای ملایم در درختان، نوای پرندگان، که این‌گونه نواهای طبیعی چون غالباً یک‌رنگ، یک‌نواخت و یک‌آهنگ و میزان ملایم است، مسرت‌بخش می‌باشد. موسیقی هنری: عبارت است از همان آهنگ‌هایی که بشر آن را ساخته است و وسایل مصنوعی آن در دنیای کنونی عبارت است از: تار، ویلون، سنتور، اکوردئون، گیتار پیانو و غیره. آهنگ‌های مصنوعی دارای زیروبم و ارتعاشات و تحریکات گوناگونی است که گاه می‌خنداند و زمانی می‌گریاند و گاهی به حد افراط نیز نشاط در آدمی تحریک می‌کند.» (موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی / ۳۷).

بررسی موضوع غناء در کتاب: قرآن کریم علاوه بر این‌که به عنوان بیان‌کننده‌ی اصول و روش زندگی فردی و اجتماعی و نحوه‌ی حکومت‌داری، اصلی‌ترین منبع و مرجع حکومت اسلامی است؛ بلکه به عنوان اصلی‌ترین منبع قانون‌گذاری نیز به شمار می‌رود. به‌همین لحاظ در خصوص بررسی فقهی احکام مربوط به صوت و تصویر می‌بایست به اولین منبع تشریح توجه کرد. در قرآن کریم لفظ غناء به عنوان یک صدای حرام ممنوع به‌کار برده نشده است؛ اما در آیات مختلفی بعضی الفاظ بیان شده که از آن‌ها به عنوان غناء تفسیر شده است.

خداوند در آیه‌ی ششم از سوره‌ی مبارکه‌ی لقمان می‌فرماید: «بعضی از مردم هستند که سخنان لغو و بیهوده را به هر وسیله تهیه می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خداوند گمراه کنند و به دنبال آن آیات الهی را به تمسخر بگیرند، خداوند به این عمل، آن‌ها را به عذاب خوارکننده‌ای مبتلا می‌سازد». امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مجلس خوانندگی لهو و باطل، مجلسی است که خداوند به اهل آن نمی‌نگرد (آن‌ها را مورد لطفش قرار نمی‌دهد) و این مصداق همان چیزی است که خداوند عز و وجل فرموده، بعضی از مردم هستند که سخنان بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی جهل و نادانی از راه خدا گمراه سازند.» (اصول کافی / ۴ / ۴۳۳). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه فرموده اند: «کلمه‌ی لهو، به معنای هر چیزی که آدمی را از مهمش باز دارد و لهو‌الحديث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نموده، به خود مشغول می‌سازد، مانند حکایات خرافی و داستان‌هایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و سایر آلات لهو که همه این‌ها مصادیق لهو‌الحديث هستند. مراد از کسی که خریدار لهو‌الحديث است، این می‌باشد مردم را از قرآن منصرف نموده و گمراه نماید که در نتیجه مردم

قرآن را سخره بگیرند و...» (تفسیر المیزان/ ۱۶/ ۳۲۹). مفسر دیگری گفته است: «لهو الحدیث، مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که هرگونه سخنان یا آهنگ‌های سرگرم کننده و غفلت‌زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند در بر می‌گیرد؛ چنان‌که در تصنیف‌ها و اشعار عاشقانه خوانندگان معمولی است که هم محتوای آن گمراه کننده است و هم آهنگش تعبیر به لهو الحدیث.» (تفسیر نمونه/ ۱۷/ ۱۱۷).

با توجه به تفاسیری که از آیه‌ی فوق ذکر شد، استنباط می‌شود که «لهو الحدیث» هر سخن نادرستی است که انسان را از شنیدن و پذیرفتن سخن حق که کلام خدا و قرآن مجید است باز دارد؛ لذا در این آیه شنیدن و مطلق گرفتن لهو الحدیث که همان غناء است، مذمت شده و این مذمت دلیل بر حرمت شناخته شده است. نتیجه این که طبق تفاسیری که از این آیه شده است، لهو الحدیث تفسیر به غناء شده و غناء مطلقاً حرام است. در آیه‌ی سی‌ام از سوره‌ی مبارکه حج آمده است: «این است احکام حج و هرکس اموری را که خدا حرمت نهاده‌ی بزرگ و محترم شمارد، البته مقامش نزد خدا اولی‌تر و بهتر خواهد بود و غیر از آن‌چه تلاوت خواهد شد، همه برای شما حلال شد و از پلید حقیقی، یعنی بت‌ها اجتناب کنید و نیز از قول باطل دوری کنید».

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند: «الرجس من الاوثان: الشطرنج و قول الزور الغناء: منظور از بت‌های پلید که در آیه آمده شطرنج است و منظور از قول الزور، سخنی باطل، غناء است.» (وسائل الشیعه/ ۱۲/ ۳۳۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: «... منظور از فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور، نهی عامی است از تقرب به بت‌ها و قول باطل که در مورد خاص حج به کار رفته است.» (تفسیر المیزان/ ۱۶/ ۵۵۳). مفسر دیگری در تفسیر این آیه می‌گوید: «منظور از «قول الزور» چیست؟ بعضی از مفسران این اشاره را به کیفیت لبیک گفتن مشرکان در مراسم حج در جاهلیت دانسته‌اند، در بعضی از روایت «اوثان» تفسیر به شطرنج (نوعی قمار) و «قول زور» تفسیر به خوانندگی حرام (غناء) و شهادت باطل شده است که در واقع از قبیل بیان بعضی از افراد این کلی می‌باشد (تفسیر نمونه/ ۱۷/ ۱۱۸).

آیات دیگری نیز در قرآن مجید وجود دارد که به‌طور ضمنی دلالت بر موضوع غناء و حرمت آن دارد که از شرح و تفسیر آن‌ها خودداری می‌شود. (فرقان/ ۷۲؛ اسراء/ ۶۴؛ مؤمنون/ ۳؛ نجم/ ۵۹؛ الی ۶۱).

بررسی موضوع غناء در روایات: در خصوص غناء روایات و احادیث بسیار زیادی وجود دارد که در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. در روایت معتبر زید شحام از امام

صادق(ع) نقل شده است که: در خانه غناء ایمنی از بلا و مرگ ناگهانی وجود ندارد و دعا به اجابت نمی‌رسد و فرشته وارد نمی‌شود. (وسائل الشیعه/۱۲/۲۲۵). در روایت حسن بن هارون از امام صادق(ع) نقل شده است که حسن بن هارون گفت، از امام صادق شنیدم که فرمود: «غناء و آوازخوانی سبب دورویی و نفاق می‌شود و فقر و نداری به دنبال خود دارد(همان/۲۳۰). از جمله روایات دیگری بر حرمت غناء به دلیل لهو، باطل و لغو بودن آن دلالت دارد، روایت عبدالاعلی است که در سلسله سند این روایت حسن بن فضال قطعی قرار دارد که می‌گوید: از امام صادق در مورد غناء پرسیدم و گفتم: مردم می‌پندارند که رسول خدا (ص) تجویز فرموده‌اند غناء خوانده شود. امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: دروغ می‌گویند، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: و ما آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌ها را بازیچه نیافریده‌ایم. اگر می‌خواستیم که بازیچه بگیریم به اختیار خویش می‌گرفتیم؛ بلکه حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را فرو می‌شکافد، آن‌گاه است که نابود می‌گردد و وای بر شما از توصیفی که می‌کنید. (المکاسب/۲/۱۹۸). رسول خدا (ص) در حدیثی فرمودند: «غناء و خوانندگی حرام، کاری است که انسان را به فحشا و زنا می‌کشاند، هم‌چنین در حدیثی دیگر فرمودند: از غناء و موسیقی بترسید و از آن دوری کنید؛ زیرا موسیقی حیای انسان را کم می‌کند و شهوت و غریزه‌ی جنسی را تحریک و زیاد می‌کند و مردانگی را نابود می‌سازد و هر کاری که شراب می‌کند، موسیقی هم انجام می‌دهد. (تعلیم و تربیت در اسلام/۷۷).

روایت دیگری که در مورد غناء وارد شده است، روایت یونس است که می‌گوید: از امام هشتم (ع) درباره‌ی غناء پرسیدم و گفتم عباسی (یکی از بزرگان دستگاه خلافت اموی) می‌پندارند شما غناء را جایز می‌دانید. امام (ع) فرمود: آن زندیق دروغ گفته است، من چنین سخنی نگفته‌ام، او از من درباره‌ی غناء پرسید، من به او گفتم: شخصی نزد امام محمد باقر(ع) آمد و از ایشان در مورد غناء سؤال کرد، امام باقر (ع) به او فرمود: اگر خداوند بین حق و باطل جدایی بیندازد و آن‌ها را از یکدیگر جدا کند، جایگاه غناء کجاست؟ او پاسخ داد: جزء باطل است. امام باقر (ع) فرمودند خودت حکم کردی. (المکاسب/۲/۱۹۹). در وصیت پیامبر اکرم (ص) به امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است که: ای علی سه چیز قساوت قلب می‌آورد: اول) گوش دادن به لهویات که از جمله‌ی آن غناء و موسیقی حرام است. دوم) به شکار رفتن. سوم) به درب خانه پادشاهان و سلاطین رفت و آمد کردن. (وسائل الشیعه/۱۲/۳۱۴).

با توجه به روایاتی که ذکر شد، نمی‌توان به نتیجه‌ی قاطعی در خصوص حرمت ذاتی غناء رسید. به همین خاطر گفته شده است که روایات حرمت غناء به چند قسم تقسیم

می‌شوند: ۱- بیش‌تر آن‌ها از نظر سند ضعیف بوده و شرایط حجیت ندارد. ۲- برخی از آن‌ها دلالت بر حرمت ندارند؛ مانند، این حدیث که غناء موجب فقر و نفاق است. ۳- بعضی از آن‌ها در مقام بیان خطاب نیست؛ لذا اطلاق ندارد؛ مانند، حدیث خداوند بر غناء وعده آتش داده است. ۴- پاره‌ای از روایات مطلق هستند؛ ولی در مقام بیان نیستند؛ بلکه مقید و مخصوص دارند. ۵- برخی از آن‌ها دلالت بر استحباب و یا کراهت دارد.

در مجموع بیان و گونه و تواتر اجمالی و معنوی این روایات در موضوع غناء تا حدی این یقین را می‌آورند که غناء از نظر اسلام نکوهیده و ممنوع است و مورد نهی و انکار معصومین قرار گرفته است؛ اگرچه مفهوم و مصداق غناء در هیچ‌یک از آیات و روایات به روشنی تبیین نشده است. (هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی / ۲۹۵).

بررسی نظرات فقهاء راجع به غناء و موسیقی: هم‌چنان که در مباحث پیشین اشاره شد، صوت ممنوع که بر حرمت آن حکم شده است، غناء نامیده می‌شود. در باب غناء هرچند که برخی از فقهای شیعه معتقدند که بر حرمت آن اجماع وجود دارد؛ اما باز جای سؤالاتی باقی است، از جمله این‌که: ۱- آیا غناء فی نفسه و بما هو غناء حرام است؟ یا حرمت آن در گرو یک سری محرّمات دیگر است. ۲- در صورتی که حرمت غناء در گرو یک سری محرّمات دیگر باشد، آیا آن محرّمات در داخل غناء وابسته به آن است یا خیر؟ ۳- اگر قبول کنیم غناء فی نفسه حرام است، (هرچند در خود این موضوع بین فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد) قدر متیقن از غناء که حرام است کدام غناء است؟ ۴- با توجه به این‌که انسان‌ها دارای حالات و شخصیت‌های یکسانی نیستند و تأثیر آهنگ‌ها و آوازها در انسان متفاوت و مختلف است. (چه بسا ممکن است یک آهنگی در یک شخصی باعث ایجاد خفت و سبکی شود؛ ولی در شخص دیگری چنین تأثیری نداشته باشد) کدام شخص یا طبقه‌ای از انسان‌ها ملاک تشخیص حالات خفت و سبکی خواهد بود؟ این‌ها و ده‌ها سؤال دیگر در باب غناء ذهن هر پژوهش‌گری را جلب کرده تا بتواند در آن به یک حکم قطعی و ثابت دست پیدا کند. میان فقهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد و فقها به دو دسته تقسیم می‌شوند، برخی قائل به حرمت و بعضی دیگر قائل به حلیت هستند که بحث آن می‌آید.

قائلین به حرمت: از جمله فقهای غناء را فی‌الجمله حرام می‌داند. شیخ مرتضی انصاری، ایشان در اثبات حرمت غناء به اخبار مستفیضه استناد کرده و می‌فرماید: «مرحوم فخرالمحققین در کتاب ایضاح، تواتر اخبار در این زمینه را ادعا کرده‌اند.» (المکاسب / ۲ / ۱۹۰). شیخ مرتضی انصاری در خصوص دلایل حرمت گفته است: «دسته‌ی اول روایات مستفیض است که در تفسیر (قول الزور) در آیه‌ی شریفه «وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج / ۳۰) وارد شده

است. در روایات صحیحه شحام، روایات مرسله ابن ابی عمیر و روایت موثقه ابی بصیر که هر سه روایت از کافی نقل شده است و روایت عبدالاعلی که در معانی الاخبار حکایت شده «قول الزور» به غناء تفسیر شده است. دسته‌ی دوم نیز روایتی است که در تفسیر (لهو الحدیث) در آیه‌ی مبارکه «و من الناس من یشتری لهو الحدیث» (لقمان/۶) آمده است. هم‌چنان‌که در روایات صحیحه ابن مسلم، روایت مهران بن محمد، روایت حسن به هارون و روایت عبدالاعلی آمده است. دسته‌ی سوم، روایاتی است که در تفسیر «قول الزور» در قول خداوند تبارک و تعالی در آیه‌ی شریفه‌ی «والذین لا یشهدون قول الزور» (فرقان، آیه ۷۲) وارد شده است؛ مانند، روایت صحیحه ابن مسلم، از امام صادق که یک بار آن را بی واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده و یک بار هم با واسطه ابی صباح کنانی آن را نقل می‌کند...» (المکاسب/۲/۱۹۴). البته صاحب مکاسب پس از بیان دلایل حرمت غناء به روایات و تفاسیر فوق‌الذکر ایراداتی وارد کرده و اظهار داشته است: «... بعضی از علما در استدلال به این روایت خدشه وارد کرده اند و گفته‌اند؛ روایات دسته‌ی دوم نیز در این امر ظاهرند که غناء از مقوله‌ی کلام است؛ زیرا «قول زور» را به غناء تفسیر کرده‌اند و چون غناء از مقوله‌ی کلام نیست؛ بلکه کیفیت ادای آن است؛ لذا نمی‌توان این روایات را مستند حرمت غناء دانست. هم‌چنین اگر اضافه‌ی لهو را به حدیث در آیه‌ی «لهو الحدیث» اضافه به موصوف بدانیم، غنایی را در بر می‌گیرد و حرمت آن را اثبات می‌کند که شامل کلام باطل باشد و بر حرمت کیفیت و نحوه‌ی ادای کلام هرچند در کلام حق (مانند غناء در قرآن) دلالت نمی‌کند. استدلال به دسته‌ی سوم روایات نیز مخدوش است؛ زیرا مجالس و مشاهد زوری که خداوند افرادی که در آن حاضر نیستند مدح می‌کند، مجالس غناء با کلام و سخنان باطل است.» (همان). شیخ انصاری بعد از بیان روایات مختلف استفاده از ابزار و آلات لهو را به طور کلی حرام می‌داند، البته در معنای لهو و آلات لهو دچار تردید شده و می‌فرماید: «آن‌چه یقیناً جزء آلات لهو است، چیزهایی است که از جنس نی‌ها و ابزار خوانندگی و غناء و از جنس داترها و طبل می‌باشند.» (همان). یکی دیگر از فقهای که قائل به حرمت غناء در اسلام می‌باشند، می‌فرماید: «حرمت غناء در اسلام از مسلمات بوده و اجماع علمای شیعه بر آن وجود دارد شیخ طوسی بیان فرمودند: در حرام بودن غناء از نظر کل فقهای شیعه اختلاف نظر وجود ندارد، صاحب جواهر هم بیان کرده که از محرّمات کسب که فی نفسه حرام است، غناء می‌باشد.» (الغناء و الاسلام/ ۱۵۱).

محقق ثانی در جامع المقاصد (شرح قواعد علامه) اعتقاد دارد: «مجرد کشیدن صدا حرام نیست، هرچند بعضی از مردم از آن خوششان بیاید، البته به این شرط که به ترجیحی که مقتضی اطراب است، منتهی نشود.» (به نقل از المکاسب/ ۲/ ۲۰۵). عده‌ای از فقها پس از بیان حکم کلی، غناء را در مجلس عروسی به سه شرط از موضوع حرمت خارج کرده‌اند: اول) مرد هرچند محرم باشد در آن مجلس نباشد. دوم) در خواندن نشان باطلی نگویند. سوم) آلات لهو و وسایل موسیقی استعمال نکنند.

شیخ طوسی می‌گوید: «اشکالی ندارد بر اجرت زنان ترانه‌خوان در عروسی‌ها در صورتی که اباطیل نخوانند و داخل مجلس مردان نشوند و مردان نیز داخل مجلس آن‌ها نشوند.» (النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی/ ۳۶۷). فقها در این‌باره به روایتی از پیامبر اکرم (ص) اشاره کرده‌اند: رسول خدا (ص) شب ازدواج حضرت زهرا (ع) صدای دف شنید، فرمود: این چیست؟ ام سلمه عرض کرد: اسماء بنت عمیس دف می‌زند، می‌خواهد فاطمه را خوشحال کند تا خیال نکند چون مادر ندارد، کسی نیست که امور ازدواجش را بر عهده گیرد. رسول خدا، دستانش را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا اسماء را خوشحال کن، همان‌طوری که دخترم را خوشحال ساخته است؛ سپس حضرت، اسماء را خواست و به او فرمود: هنگامی که دف می‌زنی چه می‌گویی؟ اسماء گفت: نمی‌دانم چه بگویم ما می‌خواهیم فاطمه خوشحال باشد. حضرت فرمود: مواظب باش بدگویی و ناسزا نگویی. (مستدرک الوسائل/ ۱۴/ ۳۰۵). روایتی از حمیری در قرب الاسناد از علی بن جعفر از برادرانش موسی بن جعفر نقل شده است که گفت: از امام کاظم (ع) درباره‌ی غناء در اعیاد فطر و قربان و ایام جشن و سرور پرسیدم. حضرت فرمود: اشکالی ندارد مادام که با آن معصیت نشود. صاحب جواهر این روایت را حمل بر تقیه یا در خصوص عروسی در اعیاد مذکور و یا خوانندگی با اشعار دانسته‌اند. (جواهر الکلام/ ۲۲/ ۴۵). لازم به ذکر است که شیخ مرتضی انصاری روایات وارده در خصوص جواز تغنی در عروسی را قابل مقاومت در برابر اطلاقات وارده بر حرمت آن‌ها نمی‌داند. (المکاسب/ ۲/ ۲۳۴). از آن‌چه که تاکنون گفته شد، استنباط می‌شود که برخی از فقهای که اسامی آن‌ها ذکر شد، قائل بر حرمت ذاتی غناء هستند و اعتقاد به آن دارند که غناء به ما هو غناء فی نفسه حرام است ولو این‌که آلات موسیقی همراه آن وجود نداشته باشد؛ به عبارت بهتر، حرمت غناء به دلیل نفس اطراب‌انگیز بودن آن است و برای حرمت لازم نیست که غناء همراه با سایر محرّمات باشد و برخی دیگر از فقهاء غناء را حرام می‌دانند، اما استثنائاتی برای حرمت غناء قائل می‌باشند.

قائلین به حلیت: دلیل کسانی که به حلیت غناء معتقدند، حدیث مروی از رسول خداست که بر کنیزی از آن حسان بن ثابت گذشت و این کنیز آواز می‌خواند، گفت: آیا بر من حرجی است اگر به لهُو مشغول باشم؟ رسول خدا فرمود: حرجی نیست انشاءالله. عمر بن خطاب گفت: غناء توشه‌ی شخص مشتاق است و وی هنگام خلوت در خانه خود ترنم می‌کرد. عثمان دو کنیز داشت که هنگام شب برای او آواز می‌خواندند، چون وقت استغفار می‌رسید، به آنان می‌گفت: خاموش باشید. (به نقل از دهخدا/۳۸/۱۶۸۱). محدث کاشانی غنای حرام را غنایی می‌داند که همراه حرام خارجی باشد، مثل بازی با آلات لهُو و اختلاط زن و مرد و کلام باطل، و گرنه خود غناء را فی نفسه حرام نمی‌داند. (به نقل از المکاسب/۲/۲۲۰).

در سخنان فیض که از وافی نقل شده است: «... از مجموعه‌ی اخبار وارد شده درمی‌یابیم که حرمت غناء و متعلقات آن از قبیل، اجرت برای تعنی، شنیدن آن و خرید و فروش کنیزان آوازخوان مختص غنایی است که در زمان خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، رایج بوده که در آن مردان بر زنان خواننده وارد می‌شدند و زنان سخنان باطل بر زبان می‌راندند و با اسباب لهُو، مانند عود و نی و سایر اشیا، بازی می‌کردند؛ اما اگر غیر از این موارد باشد، غناء، اشکالی ندارد. هم‌چنان که امام (ع) فرموده‌اند: اگر مرد داخل مجلس زنان نشود اشکالی ندارد، بنابراین غناء با اشعاری که انسان را به یاد بهشت و جهنم اندازد و وی را به این امور تشویق کند و نعمت‌های خدا را برشمرده و عبادات را بیان کند و انسان را به انجام عمل خیر ترغیب کند و از چیزهایی فانی و زودگذر بر حذر دارد و مانند آن، ای بسا بر اندام کسانی که از خدا می‌ترسند رعشه می‌اندازد؛ سپس بدن و دل‌های آنان در مقابل خدا نرم می‌شود؛ لذا صاحبان خرد و اندیشه پس از شنیدن این اخبار می‌توانند، غنای حق را از غنای باطل تشخیص دهند و می‌دانند که بیش‌تر غناهای که صوفی‌ها در مجالس خود دارند حرام است و...» (همان).

در کفایه الاحکام آمده است: «... منشأ منع در غناء بعضی از امور همراه آن است؛ مانند، اشتغال به لهُو و لعب و غیر آن. بعضی از اخبار بدین مطلب مشعرنده که غناء ما هو غناء حرام نیست؛ بلکه به دلیل حرام بودن لهُو است و بدین سبب صدق غنای لهُوی در قرآن و دعاها و ذکرها که با صدای دلنشین، انسان را به یاد عالم آخرت انداخته و او را بدان تشویق می‌کند، محل تأمل و اشکال است؛ لذا با تعارض اخبار غناء و اخبار بسیار و متواتری که هم از حیث لغت عام هستند، (اختصاص به بعضی مصادیق ندارند) و هم از حیث تعداد فراوان و هم‌چنین با اصل جواز تحسین صوت در قرائت قرآن نیز موافقت و این امر که بین این دو

دسته اخبار عموم و خصوص من وجه است، شکی باقی نمی‌ماند که، غنای لهوی و همراهی آن با ملامتی و مانند آن حرام است و در غیر این صورت، حکم اباحه است و راه احتیاط نیز روشن است که انسان باید از همه این موارد بپرهیزد...» (به نقل از المکاسب/۲/۲۲۶).

بر اساس نظرات فقهای اخیر، استنباط می‌شود که این دسته از فقها، غناء بما هو غناء را حرام ندانسته و برای آن حرمت ذاتی قائل نیستند؛ بلکه حرمت را در جایی می‌دانند که غناء با سایر محرمات؛ مانند، حضور مردان در مجالس زنانه یا به زبان آوردن سخن باطل و ناپسند همراه باشد.

نظریه‌ی فقهای معاصر: در عصر حاضر نیز فقها و مجتهدین نسبت به مسأله‌ی غناء حساسیت داشته و در مناسبت‌های گوناگون و در پاسخ به استفتائات، نظریه و فتوای خود را اعلام کرده‌اند. در تحریرالوسیله آمده است: «گوش کردن به غناء و مانند آن از محرمات حتی رادیو یا تلویزیون حرام است، خواه به طور مستقیم پخش شود یا بعد از ضبط کردن در ضبط صوت باشد.» (تحریر الوسیله/۲/۴۸۵). مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالات گوناگون در خصوص حرام بودن غناء اعم از نواختن و گوش دادن آن فرموده‌اند: «هر موسیقی که به نظر عرف، موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیرکلاسیک. تشخیص موضوع هم موقوف به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این‌گونه نباشد به خودی‌خود اشکال ندارد... و موسیقی حرام، موسیقی مطرب و لهوی مناسب با مجالس لهو و گناه است و گاهی شخصیت نوازنده یا کلام همراه آهنگ یا مکان و یا سایر شرایط در این‌که موسیقی تحت عنوان موسیقی مطرب و لهوی حرام و یا عنوان حرام دیگر قرار بگیرد مؤثر است؛ مانند، این‌که بر اثر آن امور، منجر به ترتب فساد شود.» (رساله اجوبه الاستفتائات / ۲۴۸). فاضل لنکرانی بعد از تعریف غناء می‌گوید: «غناء و موسیقی دو مقوله می‌باشند؛ ولی علت حرمت در هر دو، یک چیز است و آن ایجاد طرب است و مقصود از طرب تحول غیراختیاری است که در مستمع پیدا می‌شود و معامله آلات لهو و لعب حرام است.» (جامع المسائل / ۱/ ۲۴۲). صانعی در مورد موسیقی می‌گوید: «ملاک حرمت موسیقی، داشتن محتوی باطل و منحرف کننده و مبتذل است؛ پس اگر محتوایش چنین نبود؛ مثل، آن‌که دارای محتوا و فایده حق بود یا اگر حق نبود، باطل و قبیح و مبتذل هم نبود؛ بلکه نحوه‌ی کار بی‌فایده بود حرام نمی‌باشد، نتیجه این‌که موسیقی حرمت محتوایی دارد نه حرمت مطلقه.» (مجمع المسائل / ۲۴۳). خوئی در مورد غناء چنین می‌گوید: «در صورتی‌که غناء به صورت سهوی و باطل باشد، حرام است؛ یعنی، این‌که غناء کیفیتش، کیفیت سهوی باشد و ملاک تعیین و تشخیص

در این موضوع عرفی است و هم‌چنین استماع آن نیز، همین حکم را دارد.» (منهاج الصالحین / ۱۷). مرعشی نجفی می‌گوید: «آوازی که مخصوص لهُو و بازیگری است، غناء و حرام می‌باشد و اگر نحوه یا روضه یا قرآن را هم با غناء بخوانند، حرام است؛ ولی اگر با صدای خوب بخوانند که غناء نباشد، اشکال ندارد» (رساله توضیح المسائل / ۴۹۰).

از مجموع نظریات فقهای معاصر در خصوص غناء، این نتیجه حاصل می‌شود که میان این فقها نیز مانند فقهای متقدم نسبت به حرمت ذاتی غناء، اختلاف نظر وجود دارد؛ اما آن‌چه که مشخص می‌باشد، این است که تعداد زیادی از فقهای معاصر قائل بر حرمت ذاتی غناء نبوده؛ بلکه اولاً تشخیص حرمت یا عدم حرمت غناء را به عهده عرف گذاشته و ثانیاً غناء را در صورتی که با یک فعل یا حالتی همراه باشد که موجب تحریک مخاطب به یک امر باطل باشد، آن را حرام دانسته‌اند. در پایان این بحث ذکر نظر دو محقق در خصوص موسیقی خالی از فایده نیست. مطهری می‌گوید: «... ما باید به مواردی که اسلام با آن‌ها مبارزه کرده، تأمل کنیم و ببینیم آیا مبارزه اسلام با این زیبایی‌ها از آن جهت که زیبایی است، می‌باشد یا از آن جهت که مقارن با امر دیگری است که بر خلاف یک استعداد از استعداد های فردی یا اجتماعی انسان است؟ مسأله‌ی موسیقی و غناء، مسأله‌ی مهمی است که البته حدودش نیز چندان روشن نیست. غناء ضرب‌المثل مسایلی است که فقها و اصولیین به عنوان موضوعات مجمل؛ یعنی، موضوعی که حدودش مفهوم و مشخص نیست به کار می‌برند، البته قدر مسلمی در غناء هست و آن این می‌باشد که، آوازهایی شهوت را آن‌چنان تهییج می‌کند که عقل به طور موقت از حکومت ساقط می‌شود؛ یعنی، همان خاصیتی را دارد که شراب یا قمار داراست، معلوم است که حرمت چنین مواردی قطعی می‌باشد. آن‌چه مسلم است، این است که اسلام خواسته است از عقل انسان حفاظت و حراست کند و این قبیل منع‌ها به همین جهت مطرح شده‌اند...» (تعلیم و تربیت در اسلام / ۴۴). محمدتقی جعفری با بیانی دیگر، علت ممنوعیت موسیقی را لهُوی بودن آن بیان کرده‌اند: «... بایستی گفت بشر از نظر کمبودی که در معرفت توانایی مواجهه با واقعیت دارد، موسیقی را برای تسلی خود تأیید می‌کند، پس نام آن را ضرورت می‌گذارد و به همین جهت است که اسلام به موسیقی روی نشان نمی‌دهد و می‌خواهد انسان‌ها در زندگی روحی و طبیعی خود با واقعیات روبه‌رو شوند. علتی که برای ممنوعیت موسیقی در منابع اسلامی ذکر شده است، مسأله‌ی لهُو و لعب است. با توجه به این علت، کاملاً روشن می‌شود که اسلام می‌خواهد انسان در این دنیا خود را در

مقابل هیجانانگیز و آمادگی واقعی خود را از دست ندهد، تا بتواند اختیار را از خود سلب کند...» (موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی / ۵۸).

دوم) حکم تصویر در فقه اسلامی: در فقه اسلامی، فقها در بحث مکاسب محرمه، علاوه بر این که به موضوع غناء پرداخته و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نظرات خود را بیان کرده‌اند، موضوع تصویر را نیز در کنار موضوع غناء مورد بحث قرار داده‌اند. آن چه را که در مورد تصاویر در فقه آمده، مربوط به مجسمه‌سازی و نقاشی‌هایی که دارای برجستگی است، می‌باشد و این امر با توجه به موقعیت زمانی کاملاً طبیعی بوده است؛ به عبارت دیگر، در گذشته بحث تصاویر مربوط به عکاسی یا فیلم‌برداری و مانند آن موضوعاً منتفی بوده و به همین مناسبت فقها فقط راجع به آن چه که در زمان آن‌ها وجود خارجی داشت، بحث کرده‌اند؛ لذا موضوع طرح شده در فقه تحت عنوان تصاویر با موارد مطروحه در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین و مقررات مربوط به تصویر تا حدودی متفاوت می‌باشد، علی‌رغم این موضوع، آشنایی بیش‌تر با مبانی فقهی مقرراتی که راجع به تصویر به وسیله‌ی قانون‌گذار تدوین شده است، لازم دیدیم که به تبعیت از فقها بعد از بررسی مسأله‌ی غناء راجع به موضوع تصویر و احکام راجع به آن و نظریات فقها، توضیحاتی را هر چند مختصر ارائه کنیم.

روایات و احادیث: در باب تصویر و نقاشی و مجسمه‌سازی روایات و احادیث متعددی وجود دارد. شیخ انصاری در مکاسب به تفسیر و توضیح روایات و احادیث پرداخته که از آن جمله عبارتند از: «امام علی (ع) از نبی اکرم (ص) نقل می‌کند که ایشان نهی فرمود که شکل حیوانی بر انگشتر کشیده شود. روایت دیگر، قول امام محمد باقر (ع) به نقل از نبی اکرم (ص) است که ایشان فرمود، اتاق‌های خود را تزویق نکنید. راوی می‌گوید: از امام پرسیدم تزویق یعنی چه؟ امام (ع) فرمود: کشیدن تمثال‌ها و صورت‌های حیوانات. همچنین امام (ع) در تعدادی از اخبار فرمودند: کسی که صورتی را تصویر کند و بکشد، خداوند روز قیامت او را مکلف می‌کند تا در آن صورت روح و جان بدمد، در حالی که انسان قدرت نفخ ندارد. از همه این روایات روشن‌تر، روایت صحیح‌ه محمدبن مسلم است که می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره تمثال‌های ماه و خورشید و درخت پرسیدم، امام فرمود: نقش و کشیدن این‌ها عیبی ندارد، البته مادام که آن مصور، یکی از حیوانات نباشد. همچنین سخن امام (ع) است که فرمود: کسی که یک موجود جان‌دار را بکشد از اسلام خارج شده است.» (المکاسب/۲/۴۵). از امام صادق نقل شده که ایشان فرمودند: حضرت علی (ع) کراهت داشتند که در خانه تصویر باشد. همچنین روایت حلی که از مکارم الاخلاق حکایت شده از امام

صادق (ع) که امام فرمودند: برای من طنفسه‌ای (روانداز شتر یا زیرانداز انسان) به عنوان هدیه از شام فرستادند که شکل پرندگان روی آن بود. من گفتم سرش را تغییر دهند و تصویر آن پرند به شکل درختی درآمد. هم‌چنین روایاتی که از ائمه (ع) به نقلی از جبرئیل به طور استفاضه روایت شده که جبرئیل فرموده است: ما داخل اتاقی که در آن تصویر انسان باشد نمی‌شویم.» (وسائل الشیعه/۱۲/۵۶۰).

نظرات فقها: در خصوص تصاویری که با دوربین، دریافت و ضبط و تکثیر و چاپ می‌شود، چون تکنولوژی آن در قدیم‌الایام وجود نداشت، فقهای آن زمان به‌گونه‌ای دیگری بحث کرده‌اند، به همین دلیل نظرات فقها به دو دسته متقدم و متأخر تقسیم می‌شود و به تناسب موضوع بحث نظرات آن‌ها منعکس می‌شود.

آرای فقهای متقدم: صاحب مکاسب می‌فرماید: از چیزهایی که شرعاً حرام است و قهراً تکسب با آن‌ها حرام می‌باشد، تصویر کشیدن و ساختن شکل موجودات جان‌دار است. حال اگر آن شکل مجسمه باشد، هیچ اختلافی در حرمت آن نیست، چه در فتوا و چه در نص و هم‌چنین اگر فقط نقاشی باشد، آن هم حرام است (اما اجماعی نیست) و بر حرمت آن ظاهر نه‌ایه شیخ، صریح سرائر ابن ادریس، منقول از حواشی شهید و ایضاح النافع و مجمع البرهان و غیر آنها دلالت می‌کنند.» (مسندالامام احمد بن حنبل/۶/۲۴۱). عده‌ای از روایت «ینفخ فیها» در سخن امام که فرمود: (من صور صوره کلفه الله یوم القیامه ان ینفخ فیها و لیس منافخ) (وسائل الشیعه/۱۲/۲۲۰) که معنی آن چنین است، کسی که صورتی را تصویر کند و بکشد خداوند روز قیامت او را مکلف می‌کند تا در آن صورت روح و جان بدمد در حالی که این انسان قدرت نفخ ندارد، چنین استظهار کرده‌اند که، روایات صرفاً مخصوص مجسمه‌سازی است؛ زیرا دمیدن جان فقط در جسم امکان دارد و این که از امر اراده باشد که مصور نقش را تجسیم کند تا بتواند در آن بدمد، خلاف ظاهر است. صاحب کشف اللثام به نقل از اهل لغت فرموده است که، تصویر و تمثال هر دو مترادف هستند. صاحب مکاسب می‌فرماید: «حکمت در تحریم تصویر و امثال، همان حرمت تشبه به خالق در به وجود آوردن حیوانات با اعضای متناسب است که انسان از به تصویر کشیدن آن با تمام ظرایف ناتوان است چه رسد به خلق کردن آن، محی الدین فاضل هرنندی که شرحی بر مکاسب نوشته است، نظر شیخ انصاری را این‌گونه تبیین می‌کند: «از روایات استفاده کردیم که تصویر جان‌داران چه نقشی باشد چه غیر نقش، حرام است و تصویر غیرجانداران جایز است.» (المکاسب/۲/۵۵). اما عده‌ای

مخالفت کرده و گفته‌اند که تمثال و تصویر مطلقاً حرام است، دلیل آن‌ها روایت مطلقاً که نقل شده است، می‌باشد.

تعدادی از علما روایت مطلق را این‌گونه مقید کرده‌اند که، تصاویر مجسم چه جان‌دار و چه بی‌جان حرام است و تصاویر غیرمجسم چه جان‌دار و چه بی‌جان جایز است. به نظر شیخ انصاری، تشبیه به خداوند فقط در نقشه و شکل کشیدن حاصل می‌شود و حکم حرمت را مخصوص و منصوص به جان‌داران بیان می‌کند و اما در خصوص حکم اباحت یا حرمت نگه‌داری تصویری که انجام آن حرام است، شیخ انصاری عقیده دارد: «از شرح ارشاد محقق اردبیلی حکایت شده که ایشان می‌گویند: مستفاد از اخبار صحیحه و اقوال اصحاب و فقها، عدم حرمت نگه‌داری تصاویر است. صاحب حدائق که از محقق اردبیلی حکایت کرده و در تقریر سخن ایشان فرموده، حق با او است. (همان).

از جمله فقهای که به نداشتن دلیلی بر حرمت نگه‌داری تأکید کرده، محقق ثانی در جامع المقاصد است که ایشان بعد از این سخن، جواز بیع تصاویر و عدم الحاق آن به آلات لهو و قمار و ظروف طلا و نقره را بر آن متفرع ساخته‌اند. شهید در حاشیه ارشاد تصریح فرموده که نگاه کردن به این تصاویر جایز است؛ لیکن ظاهر کلام، بعضی از قدما بر حرمت خرید و فروش تمائیل دلالت می‌کند. مفید در المقنعه، پس از آن که شراب و ساختن و فروش آن در چیزهایی که اکتساب آن‌ها حرام است را ذکر می‌کند: «خرید و فروش و ساختن بت و صلیب، شطرنج و نرد و مانند آن حرام است.» (به نقل از غناء در آیین‌های شفاف اهل بیت / ۸۴). شیخ طوسی در نه‌پایه فرموده است: «ساختن بت، صلیب، تمثال مجسم و نقاشی، شطرنج و نرد و سایر انواع قمار و تصرف در آن و کسب با آن ممنوع است.» (النه‌پایه فی مجرد الفقه و الفتاوی / ۶۷) و ظاهر سخن ابن ادریس در سرائر نیز همین است.

آرای فقهای معاصر: از فقهای معاصر نیز راجع به تصویر و احکام راجع به آن نظریاتی وجود دارد. امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: «کشیدن صورت صاحبان روح از انسان و حیوان در صورتی که به صورت مجسمه باشد حرام است، مانند آن که از سنگ‌ها و فلزات و چوب‌ها و مانند این‌ها درست می‌شود و اقوی آن است که در صورتی که مجسم نباشد، جایز است اگر چه احتیاطاً، ترک آن است و تصویر غیر صاحبان روح؛ مانند، درخت‌ها و گل‌ها و مانند این‌ها ولو این که مجسم شوند، جایز است. همان‌گونه که عمل صورت‌سازی از صاحبان روح به صورت مجسمه حرام است، کسب کردن با این کار (صورت‌سازی) و گرفتن اجرت بر آن حرام می‌باشد و اما فروختن و نگه‌داشتن و استعمال کردن آن‌ها و نگاه به آن‌ها،

اقوی آن است که همه این‌ها حتی مجسمه جایز است هر چند نگه‌داشتن آن در اتاق مکروه است.» (تحریر الوسیله / ۲ / ۳۴۹).

آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به سؤالاتی که از ایشان شده، فرموده‌اند: «ساخت مجسمه و نقاشی و ترسیم موجودات بی‌روح اشکال ندارد و همچنین ترسیم و نقاشی چهره‌ی موجودات ذی روح، اگر بدون برجستگی باشد و یا مجسمه‌ی آن‌ها که به صورت غیرکامل باشد اشکال ندارد؛ ولی ساخت مجسمه‌ی انسان یا حیوانات به صورت کامل اشکال دارد؛ اما خرید و فروش و نگهداری نقاشی و مجسمه جایز است و ارائه‌ی آن‌ها در نمایشگاه هم اشکال ندارد.» (رساله اجوبه الاستفتائات / ۲۶۸). آیت‌الله لنکرانی نیز اعتقاد دارند: «نقاشی کردن و ترسیم چهره اشخاص و حیوانات اگر برجستگی نداشته باشد، مانعی ندارد. نقاشی کردن صورت شخصیت‌های اسلامی چنان‌چه دارای برجستگی نباشد فاقد اشکال است، نگهداری مجسمه در منزل و نصب آن در میادین و معابر، فاقد اشکال؛ لیکن ساختن مجسمه حرام است.» (جامع المسائل / ۱ / ۲۵۹).

با توجه به آن‌چه گفته شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آن‌چه در فقه اسلامی در مورد تصویر به طور جزئی پرداخته شده است، ساخت تصویر (مجسمه‌ها و هیکل‌های انسانی و بعضاً حیوانی) است که این نوع ساختن تصاویر در فقه اسلامی حرام دانسته شده است، هر چند در این خصوص نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ اما این موضوع؛ یعنی، ساختن مجسمه‌ها و هیکل‌های انسانی، حیوانی و یا خیالی و به هر نحوی استفاده از آن‌ها، در قوانین کیفری ایران مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته و جنبه‌ی کیفری ندارد؛ بنابراین از موضوع بحث اصلی ما که راجع به تصاویر مبتذل و مستهجن است که در فیلم، عکس، ماهواره، اسلاید و... به نمایش گذاشته می‌شود، خارج بوده و این نمی‌تواند شامل مجسمه‌ها و هیکل‌های مورد بحث در فقه باشد.

سوم) حکم نگهداری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن در فقه اسلامی: در این قسمت سعی می‌شود که نظرات فقهای معاصر و صاحب نظر راجع به حرمت یا عدم حرمت نگهداری این آثار مورد بررسی قرار گیرد.

آیت‌الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این سؤال، آیا نگهداری و داشتن نوارهای موسیقی و فیلم‌های ویدئویی مبتذل در منزل یا ماشین شخصی و همچنین گوش دادن و نگاه کردن به آن‌ها به تنهایی برای فرد مسلمان موجب تعقیب یا تعزیر است؟ فرموده‌اند: «گوش دادن به آهنگ‌های مخصوص مجالس لهو و لهب و نگاه کردن به صحنه‌های

غیرشرعی حرام است و اگر به واسطه‌ی نگاه داشتن آن‌ها در معرض کشیده شدن به سوی حرام باشد، نگهداری آن‌ها جایز نیست.» (به نقل از مجموعه آرای فقهی/۱۴۹). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز تعزیر مرتکب اعمال تماشای فیلم‌های مبتذل، استماع آهنگ‌های مبتذل و نگهداری عکس‌های مستهجن و مبتذل را لازم دانسته‌اند. (همان/۱۴۸). آیت‌الله فاضل لنکرانی راجع به نگهداری نوارها و فیلم‌های مبتذل و غیرمجاز می‌گوید: «صرف نگهداری چیزهای مذکور موجب تعزیر نمی‌شود؛ بلکه باید معلوم شود که هدف از نگهداری آن‌ها چه بوده و بعد از طی مراحل امر به معروف و نهی از منکر، اگر قاضی مجتهد جامع‌الشرایط باشد، طبق نظر خود عمل کند و الا تابع نصب است.» (جامع المسائل/۱/۵۳۰). آیت‌الله خامنه‌ای گوش دادن به غناء را به طور مطلق حرام اعلام کرد چه در خانه به تنهایی شنیده شود و یا در حضور دیگران و چه در فرد تأثیر بگذارد یا نگذارد. ایشان نگاه کردن به فیلم‌ها و تصاویر زنان برهنه و نیمه برهنه در عکس‌ها و فیلم‌های سینمایی را در صورتی که از روی ریه و شهوت نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، فاقد اشکال دانسته؛ لیکن متعاقباً می‌گوید: «با توجه به این که دیدن تصویر برهنه‌ای که شهوت‌انگیز است، غالباً از روی شهوت بوده و به همین دلیل مقدمه ارتکاب گناه است؛ بنابراین دیدن آن حرام است، اگر نگهداری و نگاه کردن به آن تصاویر به قصد ریه باشد و یا انسان بداند که منجر به تحریک شهوت می‌شود یا خوف ارتکاب گناه و مفسده باشد، در این صورت نگاه کردن به آن‌ها حرام است و این که به خاطر آن انسان به حرام دیگری نمی‌افتد، مجوز ارتکاب عملی که شرعاً حرام است نمی‌باشد.» (رساله اجوبه الاستفتاءات/۲۵۰). در جایی که زن و مردی همسر شرعی و قانونی یکدیگر می‌باشند و به منظور تهییج قوای جنسی، عکس و فیلم‌های مبتذل و مستهجن را نگهداری می‌کند، بین فقها راجع به حرمت این عمل اختلاف نظر وجود دارد. آیت‌الله میرزا جواد تبریزی می‌گوید: «از این امور که موجب فساد اجتماع و خانواده می‌شود، باید اجتناب شود و اگر نمی‌دانستند تعزیر ندارد.» (منقول از مجموعه آرای فقهی/۸۱)، اما آیه‌الله سیستانی نظر دیگری دارند. به اعتقاد ایشان «تفتیش و تجسس از احوال شخصی افراد جایز نیست و نگهداری آن اشیا فی حد ذاته جرم و حرام نیست، اگرچه نگاه کردن به آن‌ها در فرض مذکور به احتیاط واجب جایز نیست.» (همان/۱۴۵). آیت‌الله صافی گلپایگانی در این خصوص می‌گوید: «... اما نگهداری آن‌ها (منظور همان عکس و فیلم مبتذل است) به منظور مذکور خلاف احتیاط و مظنه وقوع فساد است.» (همان/۱۴۹). آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این سؤال که آیا برای زن و شوهر دیدن فیلم‌های ویدئویی جنسی در خانه جایز است و آیا دیدن فیلم‌های شهوت‌انگیز برای فرد متأهل جایز است یا خیر؟ فرموده‌اند: «برانگیختن شهوت

توسط فیلم‌های ویدئویی جنسی جایز نیست و دیدن فیلم‌های شهوت‌انگیز هم اگر دیدن آن‌ها به قصد تحریک شهوت باشد و یا موجب تحریک آن شود جایز نیست.» (رساله اجوبه الاستفتائات/۲۶۲). با توجه به نظریاتی که ذکر شود، استنباط می‌شود که مشهور فقهای معاصر نگره‌داری فیلم‌های مبتذل و مستهجن را به دلیل این که مقدمه و زمینه‌ی اشاعه‌ی فحشا و دیگر اعمال جنسی خلاف عفت بوده و فرد را تحریک به ارتکاب این اعمال می‌کند، دارای اشکال دانسته و جایز نمی‌دانند.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار در جهت حفظ عفت و اخلاق عمومی و جلوگیری از بروز جرایم منکراتی با اتخاذ تدابیری از جمله جرم‌انگاری برخی از اعمال و رفتارها از جمله جرائم مربوط به صوت و تصویر، سعی در حفظ عفت و اخلاق در جامعه را دارد. در هر اجتماعی مفهوم جرم؛ همانند، مفهوم اخلاق، در حال تحول و تغییر است. طبق اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین و مقررات باید بر پایه و چارچوب موازین اسلامی باشد، اهداف عام جرم‌انگاری را می‌توان به منظور جلوگیری از اخلال در نظم عمومی، جبران خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم که بر مجنی‌علیه تحمیل شده است، ارعاب و یا اصلاح بزه‌کار و دیگر افراد جامعه و بالاخره از همه مهم‌تر اجرای عدالت برشمرد. هدف خاص جرم‌انگاری جرائم صوتی و تصویری در حیطه‌ی منافی عفت و اخلاق عمومی را عبارت از تحکیم و تقویت مبانی، مکتب، تفکر و جهان‌بینی اسلامی عنوان کرد. به اهداف فوق می‌توان حفظ و صیانت جامعه از بی‌بندباری‌ها و رشد و تعالی اعتقادی و فرهنگی را اضافه کرد. در بحث پیرامون جرم‌انگاری، نمی‌توان نقش عرف و تفکر حاکم بر آحاد جامعه را نادیده گرفت. یکی از مهم‌ترین این مقررات، ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۲ و دیگری قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۱۶ می‌باشد.

قانون‌گذار در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ بسیاری از افعال مادی جهت ارتکاب جرائم مربوط به صوت و تصویر را بیان و نسبت به آن‌ها جرم‌انگاری کرده است؛ اما در قانون نحوه‌ی مجازات... مصوب سال ۱۳۸۶ صرفاً به تولید، توزیع و تکثیر این آثار اشاره و از ذکر افعال دیگر خودداری کرده است؛ بنابراین سوآلی که مطرح می‌شود این است که اگر یک اثر مبتذل یا مستهجن که قانون‌گذار در قانون نحوه‌ی مجازات... آن را تعریف کرده و شرح داده است، در قالب یکی از افعال مندرج در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، ارتکاب

یابد، متهم بر اساس کدام قانون قابل تعقیب و مجازات می‌باشد؟ در مورد این که آیا در واقع امر، دو قانون فوق‌الذکر با یکدیگر تعارض دارند؟ احتمالات ذیل قابل توجه است:

۱- ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات... تعارضی با هم ندارند؛ زیرا ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات... فقط به آثار سمعی و بصری اشاره دارد؛ اما ماده‌ی ۶۴۰ به‌طور کلی تمام اشیاء منافی عفت و اخلاق عمومی را بیان کرده است؛ بنابراین ماده‌ی ۳ عمومیت ماده‌ی ۶۴۰ را تخصیص می‌زند و ماده‌ی ۶۴۰ منصرف از آثار سمعی و بصری مذکور در ماده‌ی ۳ می‌باشد.

۲- نمونه‌های مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی شامل آثار سمعی و بصری نیز می‌شود و از آن جایی که ماده‌ی ۶۴۰ در سال ۱۳۷۵ تصویب شده است و نسبت به ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات... مصوب سال ۱۳۸۶ که مؤخرالتصویب است، تخصیص می‌خورد.

۳- ماده‌ی ۶۴۰ تفکیکی میان عمد و غیرعمد قائل نشده است در حالی که ماده‌ی ۳ به تولید و تکثیر و توزیع عمده‌ی آثار اشاره کرده است؛ لذا در خصوص آثار سمعی و بصری، ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات... حاکم است.

۴- ماده‌ی ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ کلیه اشیاء و هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کرده و به قصد تجارت باشد را بیان داشته در حالی که ماده‌ی ۳ قانون نحوه مجازات... فقط به آثار سمعی و بصری مستهجن و مبتذل اشاره دارد.

با توجه به این که قانون‌گذار در بند ۱ ماده‌ی ۶۴۰ اشیایی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کند، معرفی کرده است، این سؤال مطرح می‌شود که قانون‌گذار صرفاً نسبت به این اشیاء جرم‌انگاری کرده است یا به سایر اشیاء نیز توجه داشته است؟ و در این صورت ملاک و ضابطه در این خصوص چیست؟ در این مورد سه نظریه وجود دارد: نظر اول بیان‌گر این است که، موارد مصرحه در ماده‌ی ۶۴۰ جنبه‌ی حصری داشته و شامل اشیای دیگر نمی‌شود. اداره‌ی حقوقی در نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۲۱۹۲ مورخ ۱۳۸۲/۳/۲۱ حصری بودن اشیاء مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ را به‌طور ضمنی پذیرفته است. نظریه‌ی دوم دلالت بر این امر دارد که ماده‌ی ۶۴۰ به‌طور کلی جنبه‌ی تمثیلی دارد و کلیه‌ی اشیایی که بر خلاف و اخلاق عمومی می‌باشد را شامل می‌شود. در نظریه‌ی سوم، نظریه‌ی اول که موارد مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ را صرفاً حصری می‌داند و نظریه‌ی دوم که به‌طور اطلاق قائل به تمثیلی بودن موارد مذکور در این ماده می‌باشد، تعدیل شده است. مطابق این نظریه اشیای مذکور در ماده‌ی ۶۴۰ ق.م.ا، جنبه‌ی تمثیلی دارد و ملاک، آن است که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند؛ اما در

تسری آن به اشیای دیگر باید سنخیت میان آن‌ها را رعایت کرد؛ یعنی، این اشیا باید از نوع سمعی و بصری و نوشته و تصویر و اشیایی باشد که قابلیت جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی را داشته باشد. به نظر می‌رسد نظریه‌ی سوم با توجه به نوع اشیا و وسایل نام برده شده در این ماده به نظر قانون‌گذار نزدیک‌تر باشد.

یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به جرائم صوتی و تصویری، بحث نگهداری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن می‌باشد که بر اساس رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۸/۹/۲۳-۶۴۵ نگهداری طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدئو یا به‌طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند، در صورتی‌که به منظور تجارت یا توزیع باشد جرم محسوب می‌شود؛ بنابراین صرف نگهداری وسایل مزبور در صورتی‌که تعداد آن معد برای امر تجارت و توزیع نباشد، از شمول ماده‌ی ۶۴۰ قانون مذکور خارج بوده و فاقد جنبه‌ی جزایی است.

در بحث فقهی مقاله موضوعاتی هم‌چون غناء و احکام آن و هم‌چنین حکم تصویر و حکم نگهداری آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن در کتاب، روایات و احادیث و کلمات فقهای متقدم و معاصر مورد رسیدگی قرار گرفته‌است که اختلاف نظر جدی در این خصوص وجود دارد که ادله‌ی قائلین به حرمت و قائلین به حلیت به طور مبسوط ذکر شده است.

منابع

- ۱- انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
- ۲- ایرانی ارباطی، بابک، *مجموعه نظریه‌های مشورتی جزایی ۱۳۴۲ - ۱۳۸۳*، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- ۳- انصاری، شیخ مرتضی، *المکاسب*، ج ۲، ج ۲، ترجمه و شرح محی‌الدین فاضل هرنندی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۴- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهایه*، ج ۲، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
- ۵- ایرانی، اکبر، *هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی*، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۶- استفانی، گاستون و دیگران، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، ترجمه‌ی حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- ۷- افشار، حسن، *کلیات حقوق تطبیقی*، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- ۸- بهشتی، محمد، *فرهنگ صبا*، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۶.

- ۹- آقای نی، حسین، *حقوق کیفری اختصاصی*، جرائم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۴.
- ۱۰- بستانی راد، محمدجواد، *جوان و موسیقی*، چ ۴، قم، انتشارات لاهوت، ۱۳۸۴.
- ۱۱- جمعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه*، قم، انتشارات مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جعفری، محمدتقی، *موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی*، قم، نشر مؤسسه علامه جعفری و انتشارات تهذیب، ۱۳۸۰.
- ۱۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، چ ۴، دوره‌ی پنج جلدی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- ۱۴- _____، *ترمینولوژی حقوق*، چ ۱۵، یک جلدی، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۱۵- خوبی، آیه الله سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، بی تا.
- ۱۶- خامنه‌ای، آیه الله سیدعلی، *رساله اجوبه الاستفتانات*، چ ۱۹، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین المللی، ۱۳۸۳.
- ۱۷- خمینی (امام)، سیدروح الله، *تحریر الوسیله*، چ ۲، چاپ چهارم، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، چ ۳۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
- ۱۹- رضایی، محمد، *واژه‌های قرآن*، انتشارات مفید، ۱۳۶۰.
- ۲۰- زراعت، عباس، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، چ ۳، تهران، انتشارات شمشاد، ۱۳۸۱.
- ۲۱- _____، *شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات*، چ ۲، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۹.
- ۲۲- شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق کیفری اختصاصی*، چ ۳، چ ۲، تهران، انتشارات ژوبین، ۱۳۷۷.
- ۲۳- صاعی، پرویز، *حقوق جزای عمومی*، چ ۱، چ ۶، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴.
- ۲۴- صاعی، آیه الله یوسف، *مجمع المسائل*، قم، انتشارات میثم قهار، ۱۳۷۶.
- ۲۵- طباطبایی، آیه الله سید محمدحسن، *تفسیر المیزان*، چ ۱۶، ترجمه‌ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دوره‌ی بیست جلدی، تهران، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
- ۲۶- عبد الشافی، محمدعبدالسلام، *مسند الامام احمد بن حنبل*، چ ۶، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.ه.
- ۲۷- عاملی، محمدین حسن (شیخ حرّ)، *وسائل الشیعه*، جلد دوازدهم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۸- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، چ ۲، دو جلدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۲۹- علوی، سید محمود، *الغناء و الاسلام*، مشهد، انتشارات طوس، ۱۳۶۶.

- ۳۰- فیض، علیرضا، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام*، چ ۲، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- ۳۱- فاضل لنکرانی، محمد، *جامع المسائل، منتخبی از استفتائات*، ج ۱، چ ۱۱، انتشارات امیرالعلم، بی تا.
- ۳۲- قره العین عابدی، سیدمحمد، *غناء در آینه‌ی شفاف اهل بیت*، ترجمه‌ی سید محمدتقی حسینی نشی، قم، انتشارات مؤسسه استاد مطهری، ۱۳۸۲.
- ۳۳- کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۴، قم، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۳۴- گلدوزیان، ایرج، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۳ - ۲ - ۱)*، چ ۶، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- ۳۵- _____، *محتشای قانون مجازات اسلامی*، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، *تفسیر نمونه*، ج ۱۷، قم، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۳۶۳.
- ۳۷- مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین، *رساله توضیح المسائل*، چاپ چهل و نهم، انتشارات فراهانی، بی تا.
- ۳۸- _____، *المکاسب المحرمه*، ج ۲، چ ۴، قم، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲.
- ۳۹- محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی - پدیده جنایی*، ج ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
- ۴۰- مطهری، مرتضی، *انسان و سرنوشت*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۴۱- _____، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۲.
- ۴۲- معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۱، چ ۵، تهران، انتشارات سپهر، ۱۳۶۲.
- ۴۳- *مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی* (تدوین غلامرضا حجتی اشرفی)، چ ۸، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۴۴- *مجموعه آرای فقهی در امور کیفری* (جرائم ضد عفت و شخصیت معنوی افراد)، چ ۲، انتشارات معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۳.
- ۴۵- *مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور - امور جزایی*، چ ۶، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۴۶- نوری، میرزاحسن، *مستدرک الوسائل*، جلد ۱۴، انتشارات مؤسسه آل بیت قم، ۱۴۰۸ق.
- ۴۷- نجفی اصفهانی، شیخ محمدحسن، *جواهر الکلام*، ج ۲۲، چ ۷، بیروت، انتشارات دار الاحیاء التراث العربیه، بی تا.
- ۴۸- نوربهاء، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، چ ۶، تهران، انتشارات دادآفرین و گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۴۹- ولیدی، محمدصالح، *جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوقی و تکالیف خانوادگی*، چ ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.